

روحانیت مبارز برهبری امام خمینی را تضعیف نکنید

جسارت بر سابقه در بیان خواست برکناری روحانیت مبارز از سکان داری انقلاب، توهین بی پروا به این روحانیت و ارگانهای که مستقیماً توسط این روحانیت و با شرکت توده های مردم تشکیل گردیده اند، و نیز به ارگانهای انقلابی که نقشی مهمی، هم در پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی و خلقی و هم در مدافعه از روحانیت مبارز ایفا می کنند. بقیه در صفحه ۲

به روحانیت مبارز برهبری امام خمینی، که از مرکز واحدی چون «سیاه سازمان داده میشد، آغاز کردید و بموازات گسترش و تعمیق انقلاب، به مراحل حادثی، کام نهاد. ویژگی یورش اخیر دشمنان انقلاب ایران به روحانیت مبارز بطور اعم و روحانیون برجسته و انقلابی، که موقعیتهای حساسی در جمهوری اسلامی ایران دارند، بطور اخص، عبارتست از: صراحت و

امپریالیستها، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و تمامی وابستگان خارجی و داخلی آنها، به همراه شیفتگان ایرانی «جهان آزاده»، آتش حملات خویش را بر روحانیت مبارز برهبری امام خمینی، که ستون فقرات نیروهای رهبری کننده انقلاب ایران است، شدت داده اند. این هجوم کین توزانه و همه جانبه، که توسط کلیه بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیستی چون صدای آمریکا، بی.بی.سی، رادیو اسرائیل و ارگانهای تبلیغاتی وابستگان به آنها چون رادیو بغداد و نیز بلندگوهای خائنین فرازی و توطئه گری چون اویسی و بختیار و از طرف کلیه وابستگان به امپریالیسم و پیروان «خط آمریکا» در ایران دنبال میشود، در دوران اخیر به اوج خود رسیده است.

حمله به روحانیت مبارز برهبری امام خمینی و تلاش برای تضعیف و بی اعتبار کردن آن بهیچوجه واقعه تازه ای نیست. از همان روزهای تدارک و انجام انقلاب ایران و بموازات گسترش مبارزات انقلابی مردم تحت رهبری روحانیون مبارز و انقلابی و در راس آنها امام خمینی و همراه با گسترش «خطر» نسبت به منافع غارتگرانه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا در ایران، حمله



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۸۲
 یکشنبه ۹ آذر ۱۳۵۹، مطابق با
 ۲۱ محرم ۱۴۰۱، به ۱۵ ریال

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی:

کشورهای عضو جبهه پایداری آماده هر گونه همکاری استراتژیک و تاکتیکی با ما هستند

با ما هستند. ما درباره همکاری در همه زمینه ها با هم صحبت کردیم، هم در زمینه نظامی، هم در زمینه فرهنگی، هم درباره همکاریهای اقتصادی و درباره بقیه در صفحه ۸

با شرکت دهها خبرنگار داخلی و خارجی برگزار میشد، گفت: «این دولت با ما گفتند هر گونه حمایتی باید برای دوام این انقلاب بشود و آنها آماده هر گونه همکاری استراتژیک و تاکتیکی

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی که به تازگی از سفر کشورهای سوریه، الجزایر، لیبی و لبنان، بازگشته است، در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی که

عملیات مدافعان انقلاب علیه دشمن تجاوزگر

رسیدند. همچنین یک دستگاه تانکر سوخت، ۳ دستگاه کامیون و دو دستگاه خیمه بارانداز دشمن در منطقه آبادان منهدم گردید. ۳- قهرمانان زاندارمری ارتش جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۲۶ و ۲۷ آذر، ضمن عملیات خود، تعدادی سنگر و مواضع دشمن را در کانی سخت از بین برده و یک دستگاه خودروی نظامی و یک قبضه توپ ضد هوایی را به آتش کشیده و تعداد ۱۴ تن از فریب خوردگان دشمن تجاوزگر را به هلاکت رساندند.

انهدام یک دستگاه تانک و ۵ قبضه توپ خودکشی، انهدام ۶ سنگر و یک چادر بزرگ گروهی با نفرات مربوطه آنها، انهدام ۴ دستگاه کامیون بزرگ حامل وسائل لجستیکی دشمن و دو دستگاه خودروی استار شده و به هلاکت رساندن ۴۸ نفر از افراد مزدور صدام.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، طی اطلاعیه شماره ۳۲۱ اعلام کرد که رزمندگان جمهوری اسلامی ایران در عملیات پنجشنبه و جمعه خود این اقدامات را علیه مزدوران تجاوزگر انجام داده اند:

۱- پرسنل هوایی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران (هوانیروز) در تاریخ ۲۷ و ۲۸ آذر، در جبهه های اهواز و دزفول، تلفات و ضایعاتی به این شرح به دشمن وارد ساختند:

بمناسبت سالگرد استقلال جمهوری دمکراتیک خلق یمن جمهوری دمکراتیک خلق یمن پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است

به راه تحول سوسیالیستی فراهم آورند.

تصویب قانون اساسی

قانون اساسی یمن دمکراتیک، که در ۹ آذر ۱۳۴۹ به تصویب رسید، این کشور را جمهوری دمکراتیک خلق یمن نام نهاد. رژیم جدید مجبور بود کماکان با دسیسه های براندازانه ضد انقلاب به رویارویی بپردازد. هر گامی که این رژیم به پیش بر میداشت، از یکسو با مقاومت سرسختانه دشمنان داخلی و خارجی روبرو میشد و از سوی دیگر مبارزه طبقاتی را در کشور و در داخل جبهه آزادی ملی بسود نیروهای انقلاب و پیشرفت به پیش میراند. در عین حال، اندیشه های سوسیالیسم علمی هر چه بیشتر در جبهه آزادی ملی تحکیم می پذیرفت. تغییر نام جبهه آزادی ملی به سازمان سیاسی جبهه ملی در همانسال نتیجه منطقی روند نامبرده بود.

دو سال بعد، کنکره پنجم این سازمان در عدن تشکیل شد. کنکره پنجم تصمیمات مهمی درباره راه آتی و هدفهای انقلاب اتخاذ و همچنین برنامه و آئین نامه جدید سازمان سیاسی جبهه ملی را تصویب کرد.

انقلاب ملی - دمکراتیک

برنامه سازمان سیاسی جبهه ملی، از جمله، یادآور گردید که در جمهوری دمکراتیک خلق یمن، انقلابی ملی - دمکراتیک در جریان است، که شرایط گذار آتی آن کشور را به سوسیالیسم فراهم خواهد آورد.

بموجب برنامه نامبرده، در چارچوب سازمان سیاسی جبهه ملی، در راه پایه گذاری حزبی پیشاهنگ کوشش خواهد شد. این حزب، که بقیه در صفحه ۲

مبارزه استقلال طلبانه

امروز، ۲۹ آذر ۱۳۵۹، جمهوری دمکراتیک خلق یمن، سیزدهمین سالگرد استقلال خود را جشن میگیرد.

تاریخ نوین خلق یمن دمکراتیک، در واقع، در سال ۱۳۴۳ با تشکیل جبهه آزادی ملی، آغاز گشت. این جبهه گرایشها و گروههای گوناگون سیاسی را دربر میگرفت، که هدف مشترک همه آنها مبارزه با استعمار بود.

در ۲۲ مهر ۱۳۴۲، مبارزه رهایی بخش مسلحانه خلق یمن علیه سیادت استعماری صد و سی ساله بریتانیا و فئودالهای مرتجع همپیمان آن آغاز شد و پس از بیکارهای جانپازانه خلق یمن جنوبی، در ۹ آذر ۱۳۵۹، به استقلال آن کشور و اعلام تشکیل یمن دمکراتیک انجامید.

رهبری سیاسی جمهوری نوپا، که در زمستان ۱۳۴۶ بعنوان صد و بیست و سومین کشور، به عضویت سازمان ملل متحد درآمد، در آن هنگام تنها از اعضای جبهه آزادی ملی تشکیل میشد. این رهبری وظایفی بس سنگین در پیش داشت، که اهم آنها عبارت بود از: تحکیم استقلال ملی کشور، مقابله با تهاجم فزاینده ضد انقلاب داخلی و خارجی و هدایت یمن دمکراتیک در راستای پیشرفت اجتماعی.

در ۲۰ اسفند ۱۳۴۵، نیروهای راستگرا کوشیدند تا با کودتایی، از اجرای مصوبات کنکره چهارم جبهه آزادی ملی، منبیر تعمیق روند انقلاب، جلوگیری بعمل آورند. لیکن نیروهای چپ درون «جبهه» موفق شدند، با «جنبش اصلاح ۳۱ تیر ۱۳۴۶»، ضد انقلاب را بعقب رانند و برخی از شرایط بنیادی را برای گذار آتی یمن دمکراتیک

مناسبت روز همبستگی بین المللی با خلق فلسطین

انقلاب ایران با انقلاب فلسطین پیوند ناگسستنی دارد

سازمان آزادیبخش خلق فلسطین، تنها نماینده راستین خلق فلسطین، مورد پشتیبانی مردم ایران است

خواستهای عادلانه مردم فلسطین، خودداری از شناسایی واقعیت های بین المللی و نادیده انگاشتن افکار عمومی جهانیان، سالیانست که به تشنج آفرینی و تجاوز کاری خود در منطقه دامن میزند و خاورمیانه را بیکی از انفجاری ترین و خطرناکترین نقاط جهان مبدل کرده اند.

اسرائیل و امپریالیسم آمریکا، بجای آنکه حق فلسطینی های رانده از زاد و بوم خویش را نسبت به بازگشت به سرزمین اجدادی خود برسمیت بشناسند بقیه در صفحه ۴

داشتند. حل مسئله فلسطین نه تنها بجهت خاتمه دادن به آوارگی میلیونها فلسطینی و احقاق حق تعیین سرنوشت خلقی ستمدیده بدست خویش حائز اهمیت است، بلکه، همانگونه که سازمان ملل متحد در قطعنامه هفتم مرداد ۱۹۴۸ مجمع عمومی بار دیگر خاطر نشان ساخت، عدم حل آن «صلح و امنیت بین المللی را سخت به مخاطره خواهد انداخت» برآستی که صیونیسم و امپریالیسم آمریکا با مقاومت لجوجانه خود در برابر حقوق و

سازمان ملل متحد روز هشتم ذرماه را بعنوان روز همبستگی بین المللی با خلق فلسطین اعلام داشته است. در این روز نیروهای مترقی و دمکراتیک سراسر جهان، بویژه مردم ایران، که موازه انقلاب ضد امپریالیستی و ملحق ۲۲ بهمن را هم پیوند با انقلاب فلسطین دانسته اند، بار یکبار عادلانه و قهرمانانه مردم فلسطین علیه صیونیست های اسرائیل، هواداران امپریالیستی آنها و هم پیمانان خیانت پیشه ارتجاعی شان در منطقه ابراز

شکایت لیبی را از فقدان یک نوع «آزادی» بخصوص است!

اختلافاتی که در محیط سیاسی و اجتماعی ما وجود دارد، بر نوع است:

۱- اختلاف میان انقلاب و ضدانقلاب، میان خلق و ضد خلق، ۲- اختلاف در داخل صفوف انقلاب و در داخل خلق. این دو نوع اختلاف با هم فرق بنیادی و ماهوی دارند. اختلاف میان انقلاب و ضدانقلاب و میان خلق و ضد خلق اختلافی است آشتی پذیر، ناشی از تضاد آشتی ناپذیر میان آنها. این نوع اختلاف و این نوع تضاد فقط يك راه حل انقلابی دارد و آنهم اینست که طرف انقلاب بطور قاطع بر ضد انقلاب پیروز شود و آنرا منهدم سازد. شتی و همکاری و همزیستی میان انقلاب و ضد انقلاب، میان خلق و ضد خلق، بویژه در کشوری که مسئله «که بر که» در آن با شدت هرچه تمامتر مطرح است، غیر ممکن است. در اینجا منظور ما بین نوع اختلافات نیست.

ولی نوع دوم اختلاف - اختلاف در داخل صفوف انقلاب و در داخل خلق - اختلاف آشتی پذیر است، زیرا که از تضادهای آشتی پذیر ناشی نمیشود. این نوع اختلاف فقط يك راه حل درست و منطقی دارد، و آنهم تقاضای طرفین اختلاف بر روی آن مسائل عمده - است که مورد قبول همه طرفداران انقلاب و همه نیروهای خلقی است. نه تنها همزیستی، بلکه اتحاد و همکاری صمیمانه در داخل صفوف بقیه در صفحه ۷

در صفحات بعد
 مالکونیستها بجای امریکا و عراق، با جمهوری اسلامی ایران می جنگند
 صفحه ۴

اسرائیل با کم کمهای همه جانبه آمریکا، جنوب لبنان را بسه آتش و ویرانی کشیده است
 صفحه ۶

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

بقیه از صفحه ۱

به تئوری سوسیالیسم علمی مجهز خواهد بود، به نیروی رهبری کننده جامعه در راه پیشبرد هدفهای انقلاب ملی - دمکراتیک تبدیل خواهد گردید.

کنگره وحدت

در راه تشکیل چنین حزب پیشاهنگی بود که در پائیز ۱۳۵۴، کنگره وحدت برگزار گشت. در این کنگره، سازمان جبهه ملی، اتحادیه دمکراتیک خلق و حزب خلق پیشاهنگ، وحدت کردند و سازمان سیاسی متحد جبهه ملی را تشکیل دادند.

در تابستان ۱۳۵۷، کودتای سالم علی، رئیس جمهور وقت یمن دمکراتیک و هواداران خردم-پورژواک ناسیونالیست او شکست خورد. یکی از هدفهای این کودتای نافرجام جلوگیری از پایه گذاری حزب پیشاهنگ بود.

تشکیل «حزب سوسیالیست یمن»

پس از شکست کودتا، در ۱۹ مهر ۱۳۵۷، حزب سوسیالیست یمن تأسیس یافت. حزب سوسیالیست یمن حزب است پیشاهنگ، که بر نامه و آئین نامه آن به پایه مارکسیسم-لنینیسم استوار است.

پایه گذاری حزب سوسیالیست یمن، این کشور مرحله ای از تحول اجتماعی خود را آغاز کرد، که از نظر کیفی مرحله ای عالی تر از مراحل پیشین محسوب میشود. در کنگره فوق العاده حزب سوسیالیست یمن، که در ۲۱ مهر امسال در عدن گشایش یافت، کارنامه حزب در دو سال اخیر مورد بحث و بررسی وسیع نمایندگان کنگره قرار گرفت. این کارنامه بحق مثبت و فخر آفرین توصیف شد.

علی ناصر محمد، دبیر کل حزب سوسیالیست یمن، در گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره گفت:

«زندگی صحت مشی حزب سوسیالیست یمن را، که بر پایداری طبقه کارگر متکی است، بشدت رسائیده است. ما ایمان داریم که این کنگره گامی نو در روند انقلابی کشور بشمار خواهد رفت.»

علی ناصر محمد، در گزارش خود به کنگره، لزوم تحکیم همبستگی نیروهای آزادی و پیشرفت در منطقه عرب و تعمیق همکاری آنان را با جامعه کشورهای سوسیالیستی، که در مرکز آن اتحاد شوروی، دوست وفادار و تکیه گاه اساسی مبارزه خلقها در راه آزادی ملی و پیشرفت اجتماعی، قرار دارد، تصریح کرد.

دبیر کل حزب سوسیالیست یمن افزود: «ویژگی عمده وضع سیاسی کنونی آنست

بمناسبت سالگرد استقلال جمهوری دمکراتیک خلق یمن

تجاوزات امپریالیسم آمریکا و مزدوران مرتجعش را علیه جمهوری اسلامی ایران بشدت محکوم کرده و پیوسته همبستگی عمیق خود را با انقلاب ایران ابراز داشته است.

علی ناصر محمد، صدر شورای وزیران،

که تأثیر کشورهای سوسیالیستی بر روند انقلابی جهانی پیوسته گسترش و تعمیق می یابد.»

علی ناصر محمد، پس از اشاره به تشدید تلاشهای تجاوزکارانه امپریالیسم در منطقه، گفت:

«حزب ما بر اساس سیاست خارجی ما با این توطئه های ارتجاعی به مقابله سرسختانه خواهد پرداخت و هر چه بیشتر در راه افشای سیاست امپریالیسم، بویژه امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، که با رفتار بدون مسئولیت خود جهان را به ورطه جنگ سوم جهانی میکشاند، برخورد داشته.»

علی ناصر محمد درباره نقش رهبری حزب خاطر نشان ساخت:

«این نقش ضامن اصلی اجرای موفقیت آمیز برنامه حزب است، که با منافع حیاتی خلق مطابقت دارد. ما بخوبی دریافته ایم که پیروزی در این زمینه، پیش از همه، تحکیم وحدت ما، مبارزه قاطعانه با اپورتونیسم چپ یا راست و هتیه با جریانات و گرایشهایی را می طلبد، که میکوشند مشاجرات فراقمیونی را دامن زنند.»

همبستگی یمن دمکراتیک با انقلاب

و جمهوری اسلامی ایران

جمهوری دمکراتیک خلق یمن، همانگونه که پیش از انقلاب شکوهمند ایران، بخاطر موضع گیری قاطعانه خود علیه سیاستهای تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا و ژاندارم «شاهنشاهی» آن در منطقه و همبستگی پدیدریغ خود با پیکر ضد - امپریالیستی و ضد استبدادی مردم مین ما، همواره مغضوب رژیم شاه ملعون و اربابان آمریکایی او بوده، پس از پیروزی ۲۲ بهمن نیز بیدرتک در صف مقدم درستان انقلاب و جمهوری نوپای ما در گستره جهانی قرار گرفت.

صالح محمد صالح، وزیر خارجه جمهوری

دمکراتیک خلق یمن، در مصاحبه ای با روزنامه «النهار» (۱۷ مهر ۱۳۵۸) گفت:

«ما خواهان برقراری روابط حسنه میان ایران و خلقهای عرب بر اساس تفاهم متقابل و مبارزه مشترک علیه امپریالیسم و صیونلیسم هستیم.»

علی احمد ناصر انتظار، وزیر دفاع یمن

دمکراتیک در ۲۹ دی ۱۳۵۸ در اتیوپی خاطر نشان ساخت:

«همه نیروهای صلحدوست باید با قاطعیت تمام در مقابل دسائس امپریالیسم، که هدف آن لطمه زدن به انقلاب افغانستان و انقلاب ایران است، مقاومت ورزند.»

جمهوری دمکراتیک خلق یمن تاکنون همه

دانستنی هایی چند درباره جمهوری دمکراتیک خلق یمن

نام رسمی: جمهوری الیمن الیدیومقراطیه

الشعبیه (جمهوری دمکراتیک خلق یمن)

مساحت: ۳۳۲۹۶۸ کیلومتر مربع

جمعیت: ۱۹۸۰۰۰۰

پایتخت: عدن (جمعیت: ۲۹۲۰۰۰)

زبان رسمی: عربی.

دین: اسلام

پول: دینار یمنی = ۱۰۰۰ فلس

پرچم: سرخ - سفید - سیاه یا ستاره سرخ بر روی مثلث آبی روشن.

مهم ترین سازمانهای اجتماعی: «اتحادیه عمومی سندیکاهای یمن»، «اتحادیه جوانان سوسیالیست یمن»، «اتحادیه دمکراتیک دهقانان یمن»، «اتحادیه عمومی زنان یمن»، «سازمان کمیته های دفاع».

مهم ترین رسانه های گروهی: «خبر - گزارشی عدن»، روزنامه «۱۴ اکتبر»، هفته نامه «النوری».

صادرات: فرآورده های شیلات، پنبه، پوست، نمک.

واردات: نفت خام، غلات، فرآورده های نساجی، مواد شیمیایی، ماشین آلات، مواد غذایی.

آموزش: در همه سطوح رایگان است.

شماره دانش آموزان مدارس هشت کلاسه

سال تحصیلی

شماره دانش آموز

۶۱۵۰۰

۱۳۴۵۴۶

۱۴۸۵۰۰

۱۳۴۸۴۹

۲۵۰۰۰۰

۱۳۵۹۶۰

۳۹۰۰۰۰

۱۳۶۷۶۵ (برنامه)

جمهوری دمکراتیک خلق یمن و دبیر کل حزب سوسیالیست یمن، در سخنرانی ۲۲ اردیبهشت امسال پیرامون تجاوز طیس گفت:

«امپریالیسم آمریکا سالهاست در منطقه به خرابکاری مشغول است... اخیراً جهانیان خبر جنایت وحشیانه امپریالیسم آمریکا علیه مردم ایران را شنیدند. توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه مردم پیرومند ایران منجر به انچه چنین عمل احقانه ای شد. عملی، که از سوی یمن دمکراتیک و همه خلقهای آزادی دوست و همه نیروهای صلحدوست در سراسر جهان بمثابه يك خطر جدی برای مناسبات بین المللی محکوم گردید. ما معتقدیم که پیروزی کبیر مردم ایران و افغانستان در سرنگونی رژیم های ضد خلقی و استقرار حاکمیت مردم يك پیروزی واقعی برای صلح در منطقه است.»

ولی امپریالیسم آمریکا این پیروزی را تهدیدی برای سلطه استعماری خود میداند. امپریالیسم و ارتجاع بین المللی پس از پیروزی انقلابهای ایران و افغانستان با نقاب «اسلامی» بیدان آمدند و به تکرار افسانه «خطر شوروی» پرداختند. عوام فریبی، که ماهیت آن برای همه خلقهای منطقه روشن است.»

همین چند روز پیش نخست وزیر جمهوری دمکراتیک خلق یمن، در دیداری با دکتر علی شمس اردکانی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در کویت، پیرامون جنگ تحمیلی دارودسته صدام حسین بر ایران گفت:

«ما بخوبی میدانیم که رژیم تکریتیها در بغداد با همکاری امپریالیسم آمریکا این جنگ را شروع کرده است، تا به تصور خود انقلاب ایران را نابود سازد. ولی ما تمام روح و ایمانمان متوجه انقلاب اسلامی ایران است و مطمئن هستیم نیروهای ضدهمپریالیستی خواهند توانست ریشه متحذان امپریالیسم و نوکرانشان را در منطقه از چو برکنند.»

ما سیزدهمین سالگرد استقلال جمهوری دمکراتیک خلق یمن را به خلق کشور برادر صمیمانه شادباش میگوئیم و ضمن ابراز قدردانی از همبستگی دیرینه مردم و دولت یمن دمکراتیک با مبارزه و انقلاب خود، آرزو داریم که هرچه زودتر مناسبات دیپلماتیک میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیک خلق یمن برقرار شود. چنین گامی تنها بسود خلقهای دو کشور ایران و یمن دمکراتیک میتواند بود.

خلاصه، چرا حکومت انقلاب، «آزادی» دلخواه آنها را مطلق نمی کند و در این «مطلقیت آزادی» شمار انقلاب را، که جزء اولش «استقلال» بود، مسخ نمی سازد و اجازه نمیدهد تا طبقات استقلال شکن، یعنی سرمایه داران وابسته و بزرگ زمین داران و نمایندگان سیاسی و ایدئولوژیک آنها فعال مایه باشند و آزادانه اراده خود را به خلق زحمتکش تحمیل کنند؟

نعمت والای آزادی نعمت بزرگ و بیمانندی است و ما با تمام نیروی خود از آزادی دفاع می کنیم، ولی نه از آزادی طبقات، مناسبات و سیاستهای ضد استقلال، بلکه از آن آزادی که پاسدار استقلال و موجودیت جمهوری اسلامی ایران، راه گشای سعادت و سربلندی خلق محروم و زحمتکش و مستضعف ایران باشد. زیرا که این انقلاب بخاطر رهائی از سلطه امپریالیسم، سرمایه داری وابسته و زمینداری بزرگ بوده است، و اگر قرار بود پس از مدتی طبقات طاغوتی و اربابان امپریالیست آنها بار دیگر «آزادی عمل» پیدا کنند، که دیگر انقلاب لازم نبود!

هر گروه و یا فرد انقلابی در این دوران حساس و پر مسئولیت، بار دیگر خود را از سنگ محک تاریخ عبور خواهد داد. ما اطمینان داریم که آنانکه به محتوا توجه دارند و نه به شکل ظاهری، در دام لیبرالها نخواهند افتاد و از این آزمایش تاریخی نیز سربلند و رو - سفید بیرون خواهند آمد. آنها توجه دارند که اختلاف در صفوف انقلاب و در صفوف خلق فقط و فقط بسود ضد انقلاب و ضد خلق است و بطور عینی برای مجموع انقلاب زبان آور و در شرایط معینی هلاکت بار است. اینگونه اختلافات، که نه بر سر اصول و مبانی عمده و اصلی انقلاب، بلکه بر سر فروع و شیوه ها و اسالیب است، باید هرچه زودتر از روی درک و خرد و آگاهی و وجدان انقلابی حل و برطرف شود. تاریخ انقلابهای گذشته ایران را بخاطر بیساری و هرگز از یاد نبریم که، یکی از عمده ترین علل شکست این انقلابها تفرقه در صفوف انقلاب بوده است و محکومان در دادگاه تاریخ همیشه آن نیروها و کسانی بوده اند که دانسته و یا ندانسته این تفرقه را ایجاد کرده اند و یا دانسته و یا ندانسته در دام این تفرقه های ساخته دیگران افتاده اند. بیوش باشیم و از تجربه تمام تاریخ معاصر ایران عبرت بگیریم.

مطرح می کنیم، بهیچوجه منظورمان این نیست که مدعی شویم که گویا در انقلاب ما اصلاً نقضی نیست و آزادی و قانون و امنیت قضائی اینجا و آنجا نقض نمی شود و قشری گری و انحصارطلبی اصلاً وجود ندارد. ما می گوئیم که:

اولاً دشمن غداری بدستور آمریکا واردخانه ما شده و میخواهد انقلاب ما را نابود سازد و کشور از بندرسته ما را از نو بر زیر اسارت بکشد. در چنین موقعی، هیچ آدم حداقل میهن دوستی، ولو صد در صد محق، بهیچ عنوانی این الم شنگه «آزادیخواهی» را راه نمی اندازد و این جنجال را بپا نمی کند. اگر قرار باشد که کسی از «نقض قوانین» و نقض «امنیت قضائی» و محدود شدن «آزادی» شکایت کند، باید حزب توده ایران بیش از هر کسی فریاد بلند کند - که باوجود صداقت و فداکاری جانبازانه اش در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، هنوز هم بسیاری از دقائ و مراکزش در اشغال غیرقانونی قرار دارد - و نه لیبرالها، که صاحب مقام بوده و هستند، و اگر هم «اسائه ادبی» به روزنامه شان شود (که این «اسائه ادب» هم از هر منشائی باشد - نتیجه عملی آن دادن زمینه برای اثبات «فقدان آزادی» و دادن خوراک به تمزیه گردانهای «ایوای آزادی» بوده است) در اسرع وقت مفرشان آزاد میشود!

ثانیاً - و به همین دلیل ما می گوئیم که: ناله لیبرالها از «فقدان آزادی» برای هر نوع آزادی نیست، بلکه شکایت آنها از فقدان يك نوع «آزادی» بخصوص است. آنها از این می نالند که: چرا دولت انقلاب با ایجاد بخش دولتی و تعاونی در اقتصاد، «آزادی» سرمایه داران وابسته و زمین داران بزرگ را محدود میسازد؟ چرا میخواهد با برقراری انحصار دولتی در بازرگانی خارجی، «آزادی» سرمایه داران وابسته را در غارت ارز کشور و چپاول مردم محروم از بین ببرد و درآمد میلیارد میلیاردی سرمایه داران وابسته غارتگر را محدود سازد؟ چرا تقسیم اراضی زمین داران بزرگ را مطرح میکند و «آزادی» چپاول این غارتگران را بخطر می اندازد؟ چرا حکومت انقلاب رادیو تلویزیون را از دست «آدمهای» آنها میگیرد و «آزادی» آنها را در اشاعه جعلیات بنگانه های خبرگزاری امپریالیستی - صهیونیستی از بین می برد؟ چرا انقلاب با روی «دم شیر» (شیطان بزرگ - آمریکا) میگذازد و جاسوسها را «گروگان» میگیرد و نمی گذارد، آنها «آزادانه» با این «شیر» سازش کنند؟ و چندین جای دیگر از این قبیل.

شکایت لیبرالها...

بقیه از صفحه ۱

انقلاب و صفوف خلق بر مبنای مسائل عمده مشترک - علیرغم اختلاف نظر در مسائل غیر عمده - بویژه در کشوری که با این همه قربانی و فداکاری يك چنین انقلاب عظیم و دوران سازی را برافروخته است، نه تنها ممکن، بلکه ضروری و واجب است، و از اهم واجبات است.

لذا وقتی که از لزوم احتراز از اختلاف و ضرورت اتحاد صحبت می کنیم، اتحاد در صفوف انقلاب و صفوف خلق مورد نظر ماست.

ولی در نهایت تأسف باید بگوئیم که در جریان حوادث اخیر، جامعه ما شاهد حالت تاثر انگیزی بوده است که برخی از گروهها و افراد مبارز و مورد احترام، نتوانستند در آن موضع و مقامی قرار بگیرند که شایسته سوابق و زحمات و کثرت نیات قلبی آنها بود، که میخواهند با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و خط قاطع ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی خدمت بکنند. با تکیه بر همین زادگاه خلق و راه زندگی آنهاست که، امیدواریم که هرچه زودتر متوجه شوند و بدانند که اطراف این علم «ایوای آزادی» که لیبرالها بلند کرده اند، جای آنها نیست.

باید بخود سؤال داد که: لیبرالها، اگر واقعا طرفدار «آزادی» هستند، چرا وقتی که خود حکومت را در دست داشتند، «آزادی» را فراموش کرده بودند؟ چرا امروز که از «فقدان آزادی» دم میزنند، فقط «آزادی» خودشان را میخواهند؟ و از همه مهمتر - چرا درست هنگامی که من غریب «آزادی» را براه انداخته اند و با توب «دفاع از آزادی» وحدت خلق را گلوله باران می کنند، که از آنسوی دیگر، گلوله های صدام آمریکائی بر بنای جمهوری اسلامی ایران فرو می ریزد؟ آیا این سزاوار است که يك گروه مبارز و يك شخصیت انقلابی، يك چنین موقع و اوضاع و احوالی را از مد نظر کنار بگذارد و عملاً در کنار کسانی قرار بگیرد که همزمان با صدام جنایتکار، از این سوی سنگر، به انقلاب ایران خنجر می زنند؟

ولی بهر حال این اختلاف در داخل صفوف انقلاب است - اختلافی است که میتواند و باید بسود انقلاب، بسود تحکیم اتحاد نیروهای انقلابی در خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی، حل شود.

ما که با دلسوزی و صمیمیت این مطالب را با این دوستان

در یکی از جلسات پرشی و پاسخ، فردی پرسید: «شما وقتی در مقابل سازمان‌های مائوئیستی مانند «بیکار» و ... موضع می‌گیرید، بدون مدرک، بر حسب عمل مستقیم سیا و امپریالیسم را برپیشانی آنها می‌زنید. خواهی می‌کنم اگر در مورد وابسته بودن بیکار، یا کومه با سیا و موساد مدرکی دارید رو کنید.»

رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، پاسخ داد:

«چنانکه بارها گفته‌ام، ما هیچ‌سند و مدرکی مبنی بر اینکه تاکنون افراد «بیکار» یا گروه‌های دیگر مائوئیستی با امپریالیسم رابطه دارند و از آن مزد می‌گیرند، نداریم. اما برای وابستگی برخی از گردانندگان این گروه‌ها به محافل و سازمان‌های امنیتی امپریالیستی، دلائل تاریخی در دست است. امروز گروه‌های مائوئیستی در سطح جهانی همکار امپریالیسم هستند و در هم‌جا شمارهایشان با شمارهای محافل امپریالیستی یکی است. جزوه شماره ۴ «پرشی و پاسخ» - سال ۱۳۵۸ - صفحه ۱۴۰»

اکنون در لحظه تاریخی معینی - که از تجاوز رژیم جنایتکار صدام به ایران آغاز شده - شاهد یکی دیگر از این دلائل هستیم و گروه‌های مائوئیستی، و در راس آنها گروهک «سازمان بیکار با طبقه کارگر»، نه تنها شعارشان با محافل امپریالیستی یکی است، بلکه عملاً با امپریالیسم در یک سنگر قرار دارند.

هرچند توده‌های میلیونی خلق، کارگران، دهقانان، دیگر زحمتکشان و روشنفکران انقلابی، که شانه به شانه علیه دشمن می‌رزمند و با خون خویش سد راه متجاوزان میشوند، کوچکترین شکی در ماهیت جنگ تحمیلی رژیم صدام بر ایران، که همانا یورش امپریالیسم آمریکا به انقلاب ایران باشد، ندارند؛ هرچند که از فرزندان کواکلمولوق بدست کوجه و خیابان «خوین شهر» گرفته، تا دهقانان عمیق روستاهای ایران، که از دهان خویش می‌برند تا غذای جبهه نبرد فراهم شود، کمترین تردیدی در تهاجم امپریالیسم آمریکا زیرماتک عراق به انقلاب وطن ما ندارند، ولی ما برای ورود درمبعضی که مدارک همخوانی مائوئیست‌های «بیکار» را با آمریکا از زبان خود آنها ارائه خواهیم داد، دو خبر را برای هواداران «کتابی» بیکار بازتوسسی می‌کنیم، تا اگر کشتار خلق‌های بی‌دفاع ایران توسط جنایتکاران آمریکائی - صدامی چشم و گوش هواداران صادق «بیکار» را باز نکرده، شاید این نقل قول‌های «کتابی» بیکار بیاید:

۱- پس از جلسه شورای امنیت ملی در آمریکا، که برای بررسی جنگ عراق با ایران تشکیل شده بود، بین مقامات آمریکا اختلاف بوجود آمده است، بطوری که والتر ماندل، معاون و ماسکی وزیر خارجه پیشنهاد بیطرفی کرده‌اند و این درحالی است که برژینسکی مشاور امنیتی کارتر معتقد است آمریکا بطور کلی جهت متوقف کردن انقلاب اسلامی ایران، باید کاملاً از رژیم عراق پشتیبانی کند. (تاکید ازمست جمهوری اسلامی، ۱۴ آبان ۵۹ - ص ۱۴)

گروهک‌های مائوئیستی، و در راس آنها گروهک «بیکار» تبلیغ میکنند: رژیم عراق جنگ طلب نیست، مستقل است و به امپریالیسم وابستگی ندارد. برعکس، رژیم ایران جنگ طلب و وابسته به امپریالیسم است!

۲- «دومند ماسکی وزیر امور خارجه آمریکا گفت: هیچکس با ما درباره تنظیم وقت این جنگ مشورت نکرده است. (کیهان - ۳۰ سپتامبر ۵۹ ص ۱۰)

البته این اظهارات چندان بدرد «بیکار» نخواهد خورد، زیرا، آنچه که خواهیم دید، حتی اگر خود آمریکا هم مستقیماً به ایران حمله کند، «بیکار»ها باز هم برای «رهائی طبقه کارگر» با رژیم ایران خواهند جنگید. پس بیستیم خود «آقایان» چه می‌گویند.

«بیکار» میگوید: «این جنگ، جنگی است میان دو ارتجاع. (ضمیمه - شماره ۷۵ - صفحه ۵)

و می‌افزاید: «ادامه برادر کشی، ادامه تبلیغات کاذب مین پرستانه (مین پرورانی)، هر دو طرف، اهداف تجاوزکارانه‌ای که هر یک از دو طرف نسبت به یکدیگر دنبال می‌کنند، کشتار توده‌های تحت‌ستم بوسیلهٔ بمباران شهرها، سرکوب نیروهای انقلابی داخلی به بهانه «اغواگری»، «شایعه‌سازی» و ... سعی در بسج توده‌های ناآگاه بدنبال خود، زمینه‌سازی سرکوب آینده بوسیلهٔ تقویت ارگانهای سرکوب (ارتش) و غیره، همه نشان‌دهنده ماهیت این جنگ، نشان‌دهنده آن سیاست است که هر یک از طبقات ارتجاعی حاکم در جامعه ایران و عراق دنبال می‌کنند. (شماره ۷۵ - ص ۱ و ۲)

بدین ترتیب «بیکار» چنین جلوه می‌دهد که از نظر «توری مارکسیستی»! از آنجا که ماهیت هر دو رژیم ارتجاعی است، باید «کومیسست»!‌های هر دو کشور، توده‌ها را برای نبرد علیه «بورژوازی» هر دو کشور بسج کنند. این «ماسک توریست»! که تاروپود آن از شعارها و کلمات ماوراء انقلابی چه بافته شده، پس بزییم، تا چهرهٔ واقعییت را ببینیم.

رژیم عراق «مستقل» است!

نقل قول‌های قبلی را بدقت مرور کنید: «بیکار» صریحاً رژیم ایران را به «تجاوز» به عراق و کشتار توده‌های تحت‌ستم عراق متهم کرده است. این اتهام، زمینه‌چینی اساسی «بیکار» است، که با تبلیغ پیرامون آن، مبداء هدف اصلی خود را اعلام می‌کند. در پی همین اتهام، که هدف آن وابسته و متجاوز نشان دادن ایران و مستقل و صلح‌دوست معرفی کردن رژیم جنایتکار صدام است، «بیکار» می‌نویسد:

«ارتجاعی دانستن این جنگ عبارت است از مبارزه علیه هر دو رژیم فارتکر و تجاوزگر. (بیکار، ۷۵ - ص ۱۴)

و باین ترتیب ایران، درحالیکه ارتش عراق در خاک مین ماست، دست به «غارت» می‌زند! البته غارت چه چیز، معلوم نیست! «بیکار» سپس رلدانه تجاوز رژیم صدام را به ایران رد می‌کند و می‌نویسد:

«آنها سخن از تجاوز یک‌جانبه می‌گویند، از یورش به توده‌ها و ... بدین ترتیب آنها ماهیت جنگ را نه از روی ماهیت دولتهای شرکت‌کننده درجنگ، نه بر مبنای تن لنین مبتنی بر اینکه جنگ ادامه سیاست به وسائل دیگر است، بلکه بر مبنای غیرطبقاتی و ریزویونیستی استوار میکنند. (همانجا - صفحه ۱۵)

اما تبلیغات «بیکار» برای رژیم جنایتکار صدام از اینهم فراتر می‌رود: «عراق پیشنهاد آتش‌بس، میانجیگری و مذاکره را پذیرفت، اما جمهوری اسلامی آن را رد کرد. عراق به این‌خاطر خواهان مذاکره و میانجیگری است که در جنگ موفقیت‌های نسبی در مدار مرزی بدست آورده است. او میخواهد مذاکره انجام گیرد، تا با توجه به این موفقیت‌ها امتیازاتی از جمهوری اسلامی بگیرد. باین‌خاطر او به گسترش جنگ

مائوئیست‌ها بجای امریکا و عراق، با جمهوری اسلامی ایران می‌جنگند

علاقه‌ای نشان نمیدهند. همانجا - ص ۱۵)

در زمان انتشار این دفاعیه از رژیم جنایتکار صدام، یعنی ۱۴ مهر ۵۹، علاوه بر شهرهای قسر شیرین و سرپل ذهاب و سوسنگرد (که آن زمان در تصرف رژیم عراق بود و بعداً نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و زحمتکشان انقلابی پل ذهاب و سوسنگرد را پس گرفتند) قسمت‌های دیگری از خاک ایران در اشغال رژیم عراق بود. در واقع «بیکار» در دفاعیه بالا بخش‌هایی از خاک «مین پرورانی» را به رژیم عراق می‌بخشد و از ایران میخواهد که از جنگ دست بردارد، تا او ایسی و بختیار... از این «موفقیت نسبی» استفاده کند و «ایران آزاد» را تشکیل دهد. علاوه بر این، «بیکار» معتقد است که رژیم عراق به گسترش جنگ علاقه ندارد. حتماً بعد از اشغال بخش‌هایی از خرمشهر و محاصره آبادان، رهبران «بیکار» همچنان بر این عقیده استوارند!

بعد از قرائت دفاعیه بالا درباره رژیم جنایتکار صدام، مائوئیست‌های «بیکار» ایران را به جنگ طلبی متهم می‌کنند:

«اما برعکس، رژیم جمهوری اسلامی که در جنگ بخش‌هایی از مدار مرزی را از دست داده و رقیب را در موضع بهتر می‌بیند، مذاکره و میانجیگری را رد می‌کند و آن را به زمانی موکول میکند که وضعیت بهتری در جبهه‌های جنگ بدست آورد، چنین است که عریده‌های جنگ طلبی سر می‌دهند. (همانجا - ص ۱۵)

علت این موضع‌گیری «بیکار» چیست؟ علت این است: برای ما شک و ابهامی وجود ندارد که رژیم ضد خلقی عراق کارگزار امپریالیسم نیست، (ضمیمه شماره ۷۵ - ص ۴)

و درست بهمین دلیل است که ایران ذی‌حق نیست: «همانطور که مشاهده می‌کنیم امروز نیز سوسیالیست‌ها، از این جنگ ارتجاعی، که هدف از آنیم سرکوب انقلاب و هم توسعه منافع اقتصادی است، به نفع بورژوازی خودی جانبداری کرده و با عامل امپریالیسم، خواندن عراق، سعی می‌کنند تا طرف ایرانی را «ذی‌حق» و «ملی» نشان دهند. (همانجا)

«بیکار» در ادامه این «توری» سرانجام به هدف نهائی میرسد و صریحاً اعلام می‌دارد که رژیم عراق بطور «مستقل» در این «جنگ» - «بیکار» می‌نویسد جنگ و نه تجاوز - شرکت کرده و باین ترتیب آمریکا را تیره می‌کند:

«هدف رژیم فاشیستی عراق از این جنگ، جامعه عمل‌پوشاندن به آرزوهای استیلاطلبانه و توسعه‌طلبانه بورژوازی خویش، نسیمه کردن خوزستان به عراق و کنترل خلیج فارس و شیخ‌نشین‌های آنست. (اعلامیه شماره ۹۸) توجه کنید! «بیکار»ها صریحاً سخنان برژینسکی و ماسکی را، مبنی بر شرکت درجنگ تجاوزکارانه رژیم صدام علیه ایران که در ابتدای مطلب آورده‌ایم، با اظهار نظرهای بالا تکذیب می‌کنند.

اکنون آرام آرام نقاب پس می‌رود و چهره واقعی کسانی که در پی الفاظ انقلابی همیشه به تئور امپریالیسم آمریکا می‌ریزند، از سایه پدیمی آید. اما از اینهم باید بیشتر رفت و برای اثبات اینکه رژیم ایران از رژیم عراق «جنایتکارتر» است، به تبلیغ پرداخت. در حالی که حتی خبرگزاریها و رادیوهای امپریالیستی هنوز جرئت نکرده‌اند دروغ یزرگی چون بمباران مناطق مسکونی عراق را توسط ایران جعل کنند، «بیکار» این وظیفه را انجام میدهد:

«رژیم‌های ارتجاعی ایران و عراق به بمباران مناطق مسکونی یکدیگر می‌پردازند... ایران نیز با بمباران مناطق مسکونی در بغداد، کرکوک و ... دهات از زحمتکشان غیر مسلح را در خانه و کاشانه خود کشته و زخام‌هایشان را ویران کرده‌است. (بیکار - ص ۷)

و این تنها «جنایات ایران»! نیست. اینکه: «جنگ هزاران تن از توده‌های ستمدیده را آواره می‌سازد، هم‌اکنون هزاران نفر از خرمشهر و قسر شیرین آواره شده‌اند، (همانجا) اینکه: «در پالایشگاه آبادان و دیگر تأسیسات نفتی دهها هزار نفر کارگر بیکار شده‌اند، ویران کردن مزارع، کشاورزان را نیز، در وضع مشابهی قرار میدهد» (همانجا)، همه و همه برگردن رژیم ایران است!

یادتان که هست؟ «بیکار» در ابتدا با اصرار ثابت کرد که رژیم عراق طالب گسترش جنگ نیست، میخواهد صلح کند و این ایران است که «عریده‌های جنگ طلبی سر می‌دهند». به این ترتیب همه جنایات رژیم صدام هم پای ایران توشه میشود!

رژیم ایران «وابسته به امپریالیسم» است!

اما «بیکار»ها دست بردار نیستند! آنها روی رادیو بغداد را هم سفید می‌کنند. رژیم ایران «ارتجاعی و ضد انقلابی است». (اعلامیه شماره ۸۴) رژیم ایران «فریبکارانه» می‌خواهد: «مبارزات انقلابی توده‌ها را از سمت اصلی خود، یعنی از سیستم سرمایه‌داری وابسته و رژیم حافظ آن» (همانجا) منحرف کند. رژیم ایران میخواهد با استفاده از جنگ: «جنایات» بیشمار خود را نسبت به نیروهای انقلابی و توده‌های خلق پرده‌پوشی» (همانجا) نماید. رژیم ایران به «شکنجه، آزار و ترور» (همانجا) مشغول است. رژیم ایران: «خلق ترکمن را مورد یورش و تهاجم قرار میدهد، کارگران مبارز را از کارخانجات اخراج می‌کند و اعتصابات بحق کارگران را سرکوب می‌نماید، دهقانان زحمتکش و فقیر را بجزم مصادره زمینداران بزرگ مورد تهاجم و سرکوب قرار میدهد، آزادی‌های سیاسی راسرکوب می‌کند، فرزندان انقلابی خلق و بویژه انقلابیون کمونیست را دسته‌دسته شکنجه، زندانی و تیرباران می‌کند و بالاخره با برآوردن دست‌های تازه این اول‌گاز است، زیرا که رژیم ایران «مایه امید آمریکا در سرکوب چه است» (بیکار ۷۸) و «نمایندگان مجلس مسافرت رجائی و

آستانوسوس امپریالیسم را تقدیر می‌کنند» (همان شماره، ص ۲۴) و «چنین است که آقای کارتر، ماسکی، برژینسکی و خلاصه همه کله‌کنده‌های «امپریالیسم آمریکا» در هنگام رفتن رجایی به نیویورک، برای نشان دادن محبت خود به رژیم جمهوری اسلامی، تا آنجا می‌روند که عملاً در جنگ ایران و عراق به حمایت از رژیم ایران برخیزند، (همانجا) زیرا که: «اعلان رفتن رجائی به نیویورک، خود چراغ سبزی به امپریالیسم آمریکا» (همانجا) بود.

تا اینجا بدون اشاره به همخوانی دقیق این نظریات «بیکار» با رادیو بغداد، صدای آمریکا و بی‌بی‌سی، رژیم ایران - البته توسط مائوئیست‌های «بیکار» - به امپریالیسم آمریکا چراغ سبز نشان داده است. اما کار هنوز ادامه دارد و: «رژیم جمهوری اسلامی دست‌به‌دامان امپریالیسم فرانسه میشود» (خبرنامه جنگ - شماره ۴۰) و از طریق خبری که منبع آن «ورد اعتماد «بیکار» است: یعنی «لوموند»، مائوئیست‌های «بیکار»ی کشف میکنند که: «این اولین نشانه‌های گرایش به غرب‌علنی رژیم است» (همانجا) و سرانجام حرف آخر که: «هیات حاکم از این مساله فقط می‌خواستند بمونان مانور تبلیغاتی استفاده کنند و (اشاره به بازبودن تنگه هرمز) عیان ساختند که موافق منافع امپریالیسم هستند. اگر گاهی اوقات برای فریب توده‌ها به امپریالیسم فحش میدهند، اما هرگز نمی‌خواهند ضرری به او برسانند، و در هیات حاکمه نیز مشخص شد که اگرچه در مورد شکل برخورد (دشنام دادن یا ندادن) اختلاف هست، اما در محتوای برخورد یعنی حفظ منافع امپریالیسم اختلافی نیست» (بیکار ۷۶ - ص ۱۷) و نتیجه مائوئیست‌های «بیکار» اینک: رژیم ایران «وابسته به امپریالیسم» است!

جنگیدن با رژیم عربستان هم گناه است!

اما، راه دوری را سپرده رژیم، تا ماهیت «بیکار» را نشان دهیم. اگر کمی زودتر ضمیمه شماره ۴ بیکار ۷۵ را می‌دیدیم، میتوانستیم چهره واقعی «بیکار» را در پس ماسکی که خود از چهره بکنار زده است، بروشنی ببینیم. هنوز هم دیر نشده است. «بیکار» می‌نویسد:

«حال فرض کنیم که عراق نیز مثل عربستان سعودی یک رژیم کارگزار و آتم کارگزار امپریالیسم آمریکا باشد، حتی در چنین صورتی نیز ماهیت جنگ ایران و عراق نمی‌تواند از جانب ایران خصلت انقلابی و رهائی‌بخشی داشته باشد، چرا که هر دو رژیم ارتجاعی هستند و تا مادامی که جنگ بصورت یک جنگ ملی و رهائی‌بخش در نیامده است، تصور شرکت در این جنگ نیز خیانت به پرولتاریا و خلق‌های دو کشور است. (ص ۴)

روشن شد؟ حتی اگر عربستان سعودی هم به ایران حمله کند، وضع باحاله، که رژیم عراق که کارگزار امپریالیسم نیست (!) به ایران حمله کرده‌است، هیچ فرقی نمی‌کند. باین ترتیب، از نظر «بیکار»، اگر خود دولت آمریکا هم مستقیماً در ایران نیروی نظامی پیاده کند، باز هم فرقی نمی‌کند، زیرا که هر دو رژیم ارتجاعی هستند! اینست نتیجه نهائی «سیاست «بیکار».

«بیکار» می‌نویسد: «حتی اگر رژیم عربستان هم به ایران حمله کند، تصور شرکت در این جنگ - بفتح ایران هم خیانت به توده‌هاست!»

این است چهره واقعی «سازمان بیکار با طبقه کارگر». و درست بهمین دلیل است که، در تمام مقالات «بیکار» دربارهٔ جنگ از آغاز تا اکنون، حتی یک جمله هم علیه امپریالیسم آمریکا وجود ندارد. «بیکار» تحویل آواکرها به عربستان، انترام نیروی نظامی مصر و اردن به عراق، پشتیبانی خالد، ملک‌حسن، ملک‌حسین، قابوس، ضیاء‌الحق از رژیم صدام، گسترش حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و دیگر نسیمه‌های امپریالیسم آمریکا را در منطقه کاملاً مسکوت گذاشته - کاملاً طبیعی است - و در عوض یک مقاله مفصل را به دشنام‌گویی علیه اتحاد شوروی اختصاص داده و همه اخبار محافل امپریالیستی را علیه اتحاد شوروی بعنوان «سند» ارائه داده است، تا ثابت کند که دشمن اصلی ایران «سوسیال امپریالیسم» شوروی است! بقیه در صفحه ۶

مائوئیست‌های خائن «بیکار»، علیه جمهوری اسلامی ایران مسلح میشوند

چند روز پیش فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فارسی‌طبی یک مصاحبه اختصاصی با روزنامه «کیهان» اعلام کرد که عده‌ای از اعضای گروهک «بیکار»، که «بیکار» - مائوئیستی ضد انقلابی «بیکار» - که در صدد ایجاد اغتشاش و تحریک در میان مهاجرین از مناطق جنگ زده به فارس بودند، دستگیر شده‌اند و بزودی در دادگاه انقلاب زمان جنگ محاکمه میشوند. دکتر مسعود خاتمی، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فارس همچنین افزود که ضد انقلابیون «بیکار»، در جبهه‌های جنگ، بخصوص خونین شهر، از پشت پاسداران مدافع انقلاب را مورد حمله قرار داده و به شهادت میرسانند.

همچنین طبق اخبار موق، خیانتکاران «بیکاری» در جبهه جنگ به سلاح و حمل آن به خارج از جبهه جنگ و اختفای آن مشغولند و خود را برای جنگ با جمهوری اسلامی ایران آماده می‌کنند.

مائوئیست‌ها اکنون دیگر از جمله پردازای و تفروری باغی‌های ما و «انقلابی» دست برداشته‌اند و به عملی ساختن این تفروری‌ها پرداخته‌اند، آنها به مجریان توطئه امپریالیسم آمریکا یعنی تجا وزگران بعثت عراق، دست‌یاری داده، از پشت مدافعان انقلاب را خاک‌نانه مورد حمله قرار می‌دهند، آنها طبق طرح امپریالیسم آمریکا برای ایجاد دستخوش و اغتشاش در پشت جبهه، میکوشند تا در میان آوارگان و دست‌بدر تحریکات بزنند و سرانجام منطبق بر عمل و خواست امپریالیسم آمریکا که با تمام قوا در صدد تضعیف و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران است، سلاح‌های مدافعان انقلاب را می‌ربایند تا آنرا علیه انقلاب بکارانند. مائوئیست‌های گروهک «بیکار» - «بیکار» در کردستان نیز همگام با کومه و دیگر گروهک‌های خائن وابسته به حسین، علیه جمهوری اسلامی ایران توطئه می‌کنند.

گذری بر کوره آجرپزی «قازیان»

در چند متری روستای قازلیان، یک کوره آجرپزی با ۱۶ سال سابقه کار وجود دارد. تعداد کارگران آن در حال حاضر ۷ نفر است و اکثریت آنان را زنان و نوجوانان تشکیل می دهند. همه کارگران در شرایطی سخت و طاقت فرسا به کار مشغولند.

در ارتباط با شرایط کار و امکانات عمومی محل، با یکی از کارگران به نام کاک محمود، که مردی ۴۵ ساله است و به همراه پسرش در آنجا کار می کند، گفتگویی کنیم. لب لبه گلایه می کشاید و می گوید:

"من اهل همین ده هستم. یکسک خانواده شش نفره دارم. زمینی ندارم. تاروی آن کارکنم و خرج خانواده ام را بدست بیاورم. ما مجبوریم که این ۳ ماه را در اینجا کار بکنیم و هزینه بقیه سال را که بیکار هستیم تا مین کنیم. البته قبلا این مدت را بیشتر در شرکت های ساختمانی و جاده سازی کار می کردیم، که بعلمت شرایط خاص منطقه و بعلمت عدم امنیت در منطقه، دیگر این امکان را نداریم."

پس از وی پسرش "محمد" ادامه می دهد و می گوید:

"کار ما کار کردن نیست، جان کنده است. صبح از ساعت ۴ صبح بیدار می شویم و شب ساعت هشت یا نه به خانه بر می گردیم. در این فاصله فقط نیم ساعت را صرف ناهار می کنیم. بقیه این حال یک کارگر پرکاری می تواند روزانه بطور متوسط فقط ۱۲۰۰۰ الی ۱۳۰۰۰ آجر درست کند. ما در آن ۱۰۰۰ هر ۱۰۰۰ آجر ۸۰۰ ریال دریافت می کنیم. البته کارفرما در این ماه صدی را آنرا کم کرد و به ما نداد. ولی کاری نمیتوانیم بکنیم. ما مجبوریم در این شرایط کار کنیم، تا شاید بتوانیم خرج ۸ ماه بیکاری را نیز در بیاوریم."

پس از این گفتگو با دو تن از کارگران نوجوان صحبت کردیم، خالد امینی ۱۵ ساله گفت:

"من از اهالی علی آباد، دهی که در فاصله هفت کیلومتری اینجا قرار دارد، هستم و با دای زاده ام، که اسمش یوسف مرادی است، در اینجا کار می کنیم. من به علت فقر مالی ترک تحصیل کرده ام."

پس از آن یوسف نوجوان ۱۲ ساله ای که فقر و درونج در چهره اش دیده می شد، گفت:

"من اسمال و با پدری برای ادامه تحصیل به سوکان بروم. من مجبورم مدتی از سال تحصیلی را در اینجا کار کنم، تا خرج پدری و پیرو ۷۰۰ بچه کوچکتر از خودم را نیز بدست بیاورم."

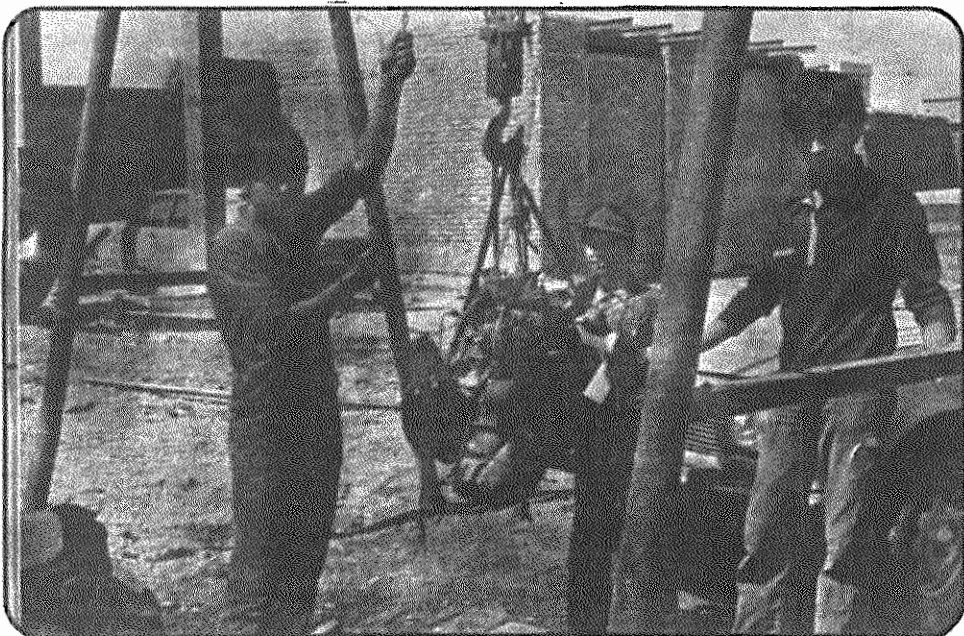
در مورد خواسته ها و انتظاراتش از انقلاب گفت:

"اینها را مسئولین بهتر از من میدانند و فقط می توانم بگویم که بیما ها خیلی ظلم شده است، ظلمی که نمونه آنرا در همین جاهم می توان دید."

شهرهای کردستان بعلمت جوجا کم بر آن، شرایط سختی را می گذرانند. زحمتکشان این شهرها، در ارتباط با درگیری های کردستان، فشار زیادی را تحمل کرده اند و هر روز نیز بر این فشارها افزوده می شود. این مردم در دوران طاغوت بعلمت سیاست های ضد خلقی رژیم همیشه به بهانه های مختلف در معرض هجوم مزدوران رژیم بودند و همیشه صدای حق طلبانه آنها در گلو خفه میشد. مردم این نواحی پس از انقلاب امیدوار بودند که حقوق حقه آنها محترم شمرده شود. ولی متاسفانه بعلمت تعلل در امرت مین خودمختاری، یا خودگردانی خلقها (حقی که مورد تأیید امام خمینی بوده و در قانون اساسی نیز بر آن تأکید شده است) ضد انقلاب از فرصت استفاده کرد و جنگ برادر کشی در کردستان بر راه انداخت و مردم را نسبت به دست یافتن به حقوقشان و نسبت به محاکمات کثونی بدبین کرد. اما پس از پیام تاریخی امام خمینی در باره کردستان، در آن نامه سال گذشته، این امیدواری برای مردم ایطد شده که بتوانند حقوق خود را بدست آورند. با وجود این با کار شکنی هر دو طرف گیر، این حقوق تا کنون نادیده

کارگران میکانیکی نادر مرودشت (فارس):

برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران با اسلحه جلوی امریکار می گیریم



مخترکان را محاکمه کنید و اموالشان را بنفع مردم مصادره کنید!

☆ کمی دستمزد، نبودن بیمه، عدم بهداشت محل کار، نداشتن سندیکا از مهمترین مشکلات محل کار کارگران است، ضد انقلاب نمی گذارد بوضع ما رسیدگی کنند

☆ وضع ما نسبت به قبل از انقلاب بهتر شده است

در جلو تعمیرگاه، کارگران با چهره های سیاه شده از روغن و گاهی با سنین خیلی کم، در حال رفت و آمد هستند. بداخل کارگاه می رویم، محوطه وسیع خاکی که ماشینهای اوراق شده در آن پراکنده است.

ابتدا با آیت زارع ۱۳ ساله که کلاس دوم ابتدائی است صحبت می کنیم. می گوید: "از صبح ساعت ۷ تا بعداز ظهر کار می کنم، یکسال هم سابقه کار دارم. در اینجا خطر کار زیاد است. مثل باز کردن گیربکس که خطر افتادن آن روی بدن ما هست. چند وقت پیش انگشت دست ویای یکی از کارگران شکست."

وی درباره مشکلات محل کار می گوید: زمین اینجا خاکی است و به ما مزد کم می دهند. از نظر شرایط محل کار، ایمنی نداریم. از طرف دولت که برای بیمه کردن می آیند ما بیکار ما را قایم می کند. اسم کارگران را یک بار ما مور بیمه نوشته بود که ما بیکار اسمها را پس گرفت و گفت: اینها کارگران موقت هستند."

نعمت زارع که درس را به علت مشکلات مالی ترک کرده است می گوید: "۶ سال سابقه کار دارم و هفته ای ۱۵۰ تومان می گیرم. تمام کار پیدا شده و سوار کردن موتور را به تنها می بینم. در اینجا ما سندیکا نداریم که از حقوقمان دفاع کند."

دولت جمهوری اسلامی ایران باید نظارت کامل بر کارگاه های کوچک داشته باشد تا مقررات و قوانین کار رعایت شود. رعایت کردن بهداشت محل کار و مقررات ایمنی خواست کارگران از کارفرماست.

اسفندیار کشا ورزی متولد سال ۴۲

با ۴ سال سابقه کار روزانه ۶ تومان میگیرد.

وی میگوید: "میوه گران است، لوازم گیر نمی آید. وضع مسکن ما خراب است و در یک خانه کهنه اجاره ای زندگی می کنیم. البته فعلا ضد انقلاب نمی گذارد دولت به وضع ما رسیدگی کند و من دولت جمهوری اسلامی ایران را تأیید کرده و اگر آمریکا حمله کند همه ما با اسلحه جلویش را میگیریم."

پیحی حسینی ۱۸ ساله میگوید: "محل کار ما در آن کار می کنیم باید تمیز باشد. دستشویی داشته باشد. زمستانها در گودال آب جمع میشود و تابستانها گرد و خاک نمی گذارد. کار کنیم."

وی درباره "مزد خود میگوید: "روزی ۱۲ ساعت کار می کنیم. هفته ای ۶۸۰ تومان میگیرم. زمستانها هم زممان را کمتر میدهند. از دولت میخواهیم کارگاهها را بدقت بازرسی کنند. اگر سانهائی اتفاق بیافتد و از کار بیایم بیمه نیستیم. خانواده ام ۱۰ نفرند که خرج خانواده را من میدهم. پدرم از

کار افتاده است" و ادامه میدهد: "دولت باید به کارگران برای تشکیل خانواده وام بدهد. وضع ما نسبت به قبل از انقلاب بهتر شده است، قبل از انقلاب تا نصف شب کار می کردیم و در باره گرانی میگوید:

"مخترکان و سرمایه داران عامل گرانی را باید محاکمه و سرمایه های خارجی را مصادره کنند. سرمایه های خارجی و بازرگانی خارجی باید ملی شود. چه سرمایه است پیش تجار جمع شده است. خواسته های این کارگران خواسته های بجایی است. اینان که در ۲۲ بهمن ۵۷ حماسه آفریدند و با مشت های گره کرده خود حکومت شاه را سرنگون کردند، اینک در سنگر نبرد علیه تجار و نظامی و در سنگر تولیدی کارخانه ها از جمهوری اسلامی ایران دفاع و از انقلاب خود پشتیبانی می کنند و حاضرند با دل و جان با امپریالیسم بجنگند. بر مقامات مسئول دولت است که محیط کار و شرایط زندگی شان را بهبود بخشند و زمینه تولید هر چه بیشتر و کار پرثمرتر را فراهم آورند."

کارگران «سوپر گاز» آماده مقابله با دشمن متجاوز هستند

عباد الله حیدری نژاد، در بیان کارخانه نیز می گوید:

خدا حافظی مفصلی با خانواده ام می کشم و به کارخانه می آیم، چون هر لحظه منتظرم که از همین جا ما را به مرز ببرند. ما برای دفاع از انقلاب آماده ایم."

کارگران انقلابی میهنمان بدرستی شرایط را تشخیص داده اند و نوبت است خود را برای تولید بیشتر در جهت رفع کمبودها و کمک به جبهه و پشت جبهه بکار می گیرند. وظیفه مسئولین نیز رسیدگی به کمبودها و رفع آنهاست. همچنانکه از صحبت کارگران برمی آید و با دیده آنها توجه شود، کوتاه کردن دست ضد انقلاب در کارها و جلوگیری از کارشکنی آن، ایجاد شواهدی کارگری برای تولید بیشتر در کارخانه ها و آموزش نظامی کارگران در کارخانه ها می توانند کمک موثر و قاطعی برای مبارزه با کمبودها در مقابل رژیم تجار و گروندگان حسین باشد.

را شکست بدهیم. این جنگ کار آمریکا است. دیگری می گوید: "ضد انقلاب داخلی هم در این جنگ دست دارد. همانهایی که مردم را ناراضی می کنند جنس را احتکار می کنند و گران می فروشند و سعی می کنند مردم را نسبت به انقلاب بدبین کنند."

کارگران انقلابی را نیز برای کمک به جبهه جنگ انجام داده اند آنها فیش بانکی به مبلغ ۵۴۰۸۵ ریال را، که حقوق یکروز آنهاست و برای کمک به جنگ برداخته اند، نشان دادند. نماینده کارگران درباره آموزش نظامی کارگران گفت: "تا به حال چندین بار به کمیته وسپاه تمام کارگران را آموزش نظامی داد و بهترین کار را اینست که در کارخانه ها این آموزش انجام شود، زیرا ما از صبح تا ساعت ۴/۵ عصر در کارخانه هستیم و برای کارگران امکانی در مساجد و جاهای دیگر ندارند، ما جای کافی برای این کار در کارخانه نداریم."

تولید بخوابد و دوباره باید دست گذاری به طرف آمریکا دراز کنیم." کارگر دیگری می گوید:

"چندی پیش به وزارت کار مراجعه کردم و آنها این کاغذ را به من دادند و گفتند، بر طبق این اساس نامه می توانیم در کارخانه شورا تشکیل بدهیم، ولی کارفرما در امر تشکیل این شورا کارشکنی می کند. کارخانه دارای سرویس رفت و آمد نیست و ما این را بارها از کارفرما خواسته ایم."

همه کارگران در امر دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی متفق القولند. نظر آنها را درباره وظایف کارگران در قبال انقلاب می پرسیم. یکی از کارگران میگوید: "کار، کار، کار! ما باید کار کنیم و تولید را نخواهیم و اگر کسی خواست تولید را بخواباند، با او مقابله کنیم. اگر

گرفته شده و مذاکرات صلح در حال حاضر به شکست انجامیده است. امید است که با تأمین حقوق خودمختاری یا خودگردانی خلقها، زندگی زحمتکشان و مردم این منطقه از وضع نابسامان خود هر چه زودتر نجات یابد.

تولید بخوابد و دوباره باید دست گذاری به طرف آمریکا دراز کنیم." کارگر دیگری می گوید: "چندی پیش به وزارت کار مراجعه کردم و آنها این کاغذ را به من دادند و گفتند، بر طبق این اساس نامه می توانیم در کارخانه شورا تشکیل بدهیم، ولی کارفرما در امر تشکیل این شورا کارشکنی می کند. کارخانه دارای سرویس رفت و آمد نیست و ما این را بارها از کارفرما خواسته ایم."

دهقانی از دشتک: «پشت صدام امریکاست»

تاخانهها بالا رود. اهالی روستا روحیه‌ای قوی دارند و مصمند صدام خائن را سرچاپش بشانند.

دهقان جوانی می‌گفت: "من شاید ۱۰ بار یا بیشتر به زانداصری مراجعه کرده‌ام، تا به جبهه بروم و از میهن دفاع کنم، ولی چون متولد ۴۲ هستم، قبول نمیکنند. صدام کافر به خاک میهن عزیزما یورش آورده و این طور که معلوم است، پشت صدام امریکاست. روز عید قربان مردم تمام گوسفندان قربانی خود را فرستادند جبهه. در حدود دوتا بنز ده تنی نان "بوخه" جمع کردیم و همینطور روغن خشک (روغن گوسفند)، برنج و عسل (که ما خودمان کندو داریم و زنبورداری می‌کنیم) جمع شد و خلاصه هرکسی هر چیزی می‌توانست کمک کرده و را فرستادیم جبهه".

بیشتر جوانانی که منقضی خدمت سالیهای پیش هستند، به جبهه رفتند. دهقانان مبارزما با چنین روحیه‌ای تصمیم گرفته‌اند دشمن تجاوزگر و حامی غارتگرش آمریکا را نابود کنند و خاک میهن انقلابی را از لوث وجود آن‌ها پاک گردانند.

"دشتک" روستائی است زیبا در انتهای منطقه رامجرد، که در ۸۰ کیلومتری شهر مرودشت و بر فراز کوهها جای گرفته. جاده‌های خاکی از لابلای کوهها روبه بالا از کنار دره می‌گذرد و به دره‌های سبز و گسترده، که آبشارهایی بلند آن را زینت می‌بخشد، ختم می‌شود. از دره که می‌گذریم، به خانه‌های خشت و گلی، که با سقف‌های جویسی پوشانده‌اند و گاهی دواشکویه هستند، بر میخوریم. عطر باغ‌های زردآلو و شفتالو و سیب درختی، نسیم دل‌انگیزی در محوطه می‌گستراند. در این جا حدود ۳۸۰۰ خانوار زندگی می‌کنند. در حدود ۵۰۰۰ خانوار آنهاخوش-نشین‌اند، که بیشتر آنها از سبطایفه احمدی، ملاحی و قانع‌اند و بقیه یا باغ‌آبی و دیبمی دارند و یا دریاکنین کوه و بالای روستای "حصار-قلعه" زمین‌های زراعی دارند. هر خانوار تعدادی هم دام دارد، اما از این همه، خوش‌نشین‌ها چیزی ندارند و روی زمین‌های دیگران کار میکنند و برخی از آنها نیز به شبانی مشغولند. از موقتی که جنگ تحمیلی شروع شده، ساختمان جاده متوقف شده و اتوبوس نمیتواند



عمومعاس، روستائی ده طبر (بخش جاجریم بجنورد) با یک خانواده ۶ نفری در یک اطاق زندگی می‌کند. چندی پیش عمومعاس دست به ساختمان یک اطاق دیگر زد. وی بعلت فقر و نداشتن پسانداز نتوانست حتی یکروز هم یک استاد بنا استخدام کند. خودش دیوار اطاق جدید را با خشت بالا آورد، که بالای دیوار پن و پی آن کمرضی شده و پنجره‌ها هم کج بالا آمده است. طبیعی است چنین منزلی در برابر بلایای طبیعی، آنهم در منطقه زلزله‌خیز خراسان مقاوم نیست. میهن انقلابی ما بدون تردید پر دشمن تجاوزگر آمریکائی - صدامی و بر اثره شوم رژیم شاهنشاهی و بر فقر مادی، که عامل بزرگ نارسائی‌ها و کمبودهای روستائیان است، فائق خواهد آمد. روستائیان حامی انقلابند و مطمئن هستند که دوران دشوار زندگی آنها پایان خواهد یافت. وظیفه دولت انقلابی است که با تغییرات اساسی در شرایط تولید زندگی دهقانان زحمتکش آنان را به آینده امیدوار و در دفاع از جمهوری اسلامی ایران در برابر هرگونه تهاجم توطئه‌آمیز آمریکا مصمم‌تر سازد، ویاری‌شان دهد که در جهاد بزرگ کشاورزی و تولید بیشتر شرکت کرده و موفق شوند.

اتحادیه دهقانان محمودآباد:

هم در جبهه و هم در پشت جبهه با تولید بیشتر دشمن انقلاب را سرکوب می‌کنیم

اعضاء اتحادیه دهقانان محمودآباد طی نامه‌ای به دفتر ریاست جمهوری، آمادگی خود را برای جانیازی در راه انقلاب و تولید هرچه بیشتر برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران و تحکیم انقلاب در پشت جبهه اعلام داشتند. دهقانان عضو اتحادیه دهقانان محمودآباد در نامه خود، که رونوشت آن به دفتر نامه مردم رسیده است، می‌نویسند:

دفتر ریاست جمهوری:

بسمه تعالی

اکنون که به فرمان شیطان بزرگ آمریکا مزدوران صدام خائن این نوکر گوش به فرمان امپریالیسم جهانخواه میهن عزیز ما را مورد هجوم وحشیانه قرار داده‌اند، ما دهقانان و زحمتکشان روستای محمودآباد بخوبی می‌دانیم که هدف این جانان خونخوار چیزی نیست جز نابودی انقلاب شکوهمندمان و نمرات ارزنده‌ای که برای ما دهقانان و زحمتکشان به بار آورده است.

آری، امپریالیسم وحشی آمریکا و عوامل داخلی، یعنی سرمایه‌داران بزرگ وابسته، فئودالها، زمینداران بزرگ و خان‌ها نمی‌توانند ببینند که ما دهقانان و زحمتکشان تحت رهبری امامان خمینی کبیر از بند اسارت آنها رها شویم. ولی امپریالیسم آمریکا و بستی‌های کافر و فئودال‌های ظالم و همة سرسپردگان امپریالیسم بدانند که ما دهقانان ارزش انقلابان و رهبر عالیقدرش و جمهوری اسلامی‌مان را می‌دانیم و با تمام توان خود از آنان دفاع می‌کنیم. ما دهقانان به وظائف خود آگاهیم و همانطور که حاضریم در خط اول جبهه جان خود را نثار میهنمان کنیم، با تمام قدرت و تلاش شبانه‌روزی خود هرچه بیشتر به امر کشاورزی و افزایش محصول می‌پردازیم، تا بتوانیم برای مردم رزمنده و دلیرمان در این شرایط جنگی محصول کافی تهیه کنیم.

«اتحادیه دهقانان محمودآباد»

مرگ بر شیطان بزرگ آمریکا و صدام متجاوز

یروز یاد انقلاب اسلامی مردم ایران

پر توان یاد تلاش دهقانان در مبارزه با فئودالها، زمینداران بزرگ و امپریالیسم

رونوشت به مطبوعات

با اجرای قانون اصلاحات ارضی، به ستمگری مالکان بزرگ قریه داران پایان دهید

در اثر آگاهی و تشکل دهقانان و مراجعه آنها به استانداری، این نقشه خنثی شد. به حکم استانداری و دادگاه انقلاب اسلامی سراب، از بزرگ مالکان تعهد گرفته شد که حق تقسیم زمین و فروختن و اجحافات دیگر را ندارند. از طرف اداره جنگل‌بانی در مورد تعرض به مراتع و جلوگیری از جاری دامهای دهقانان بی‌زمین، اقدام شده است. مقامات مسئول گفته‌اند که در مورد کشاورزان بی‌زمین، هنگام مراجعه هیئت ۷ نفری، اصلاحات ارضی احقاق حق خواهد شد. دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین می‌خواهند که نمایندگان واقعی آنها در هیئت شرکت داشته باشند و قانون مصوبه شورای انقلاب، که به تأیید مجدد امام خمینی و تصویب فقها، آیات عظام، منتظری و بهشتی و مسکینی رسیده و دقیقاً و سریعاً اجرا شود. این کار به تولید بیشتر و علاقمند شدن دهقانان به کار و شرکت موثر در جهاد کشاورزی، که امام خمینی اهمیت آن را اخیراً خاطر نشان ساخته‌اند، خواهد انجامید.

قریه داران با ۵۰۰ خانوار دره ۳ کیلومتری سراب واقع است. بیش از ۵۰ خانوار را در این روستا دهقانان بی‌زمین تشکیل میدهند، که در ایام انقلاب، به همراه سایر دهقانان زحمتکش، در راهیمائی‌های ضد رژیم شاه شزکت داشتند. در این قریه کشاورزان با کمی آب زراعتی نیز روبرو هستند. منابع آبیاری رودخانه‌ای است که حداکثر تا آخر بهار آب دارد ۳ و ۴ حلقه چاه نیم عمیق. محصولات صیفی در آن زمین بی‌آبی خیلی کم کاشته میشود. مراتع زیادی در آن سیاست ضد دهقانی رژیم گذشته بصورت بایردرآمده است.

دهقانان بی‌زمین بعلت نداشتن زمین و کشت ارضی به صورت نصف کاری، نمی‌توانستند انگیزه کافی و رغبت لازم جهت کشت و کار داشته باشند. در این میان عمال خان‌ها مانند "حاج عزیز"، که وابسته به رژیم سابق و مالکان است (هم‌اکنون به جرم طرفداری از رژیم سابق دستگیر و در تبریز زندانی شده است) و رشوه‌خواران و افرادی نظیر رئیس اصلاحات ارضی سابق سراب، دهقانان را اذیت و تحریک می‌کردند.

"حاج عزیز" و ایدایش، روستاهای بیچند و مهمین و تازه‌کند، واقع در جنوب سراب را به اسم "باغات مستثنیات"، در دست خود نگهداشته بودند و غیر انسانی‌ترین اعمال را انجام میدادند. "حاج عزیز" در زمان انقلاب، علناً از رژیم طاغوت دفاع می‌کرد و مبلغ ستم‌کاران بود. وی قبلاً در ارتش پهلوی مالکان بزرگ کدخدای این روستا بوده است. عمال ارباب میخواستند دهقانان را وادار به کوچ کنند، اما

دهقانان، که یکی از تکیه‌گاههای مهم انقلاب هستند، بحق از دولت انقلاب انتظار دارند که به سالها غارتگری و ستمگری مالکان بزرگ پایان دهد و دست مالکان را از روستاها کوتاه کند و قانون اصلاحات ارضی را به اجرا گذارد. آنها میخواهند که در کنار این اقدامات مهم، کلیه وسائل تولیدی و امکانات گشت و کار کشاورزی در اختیار آنها گذاشته شود، تا بتوانند با تولید بیشتر "تحریم اقتصادی" شیطان بزرگ را خنثی کنند.

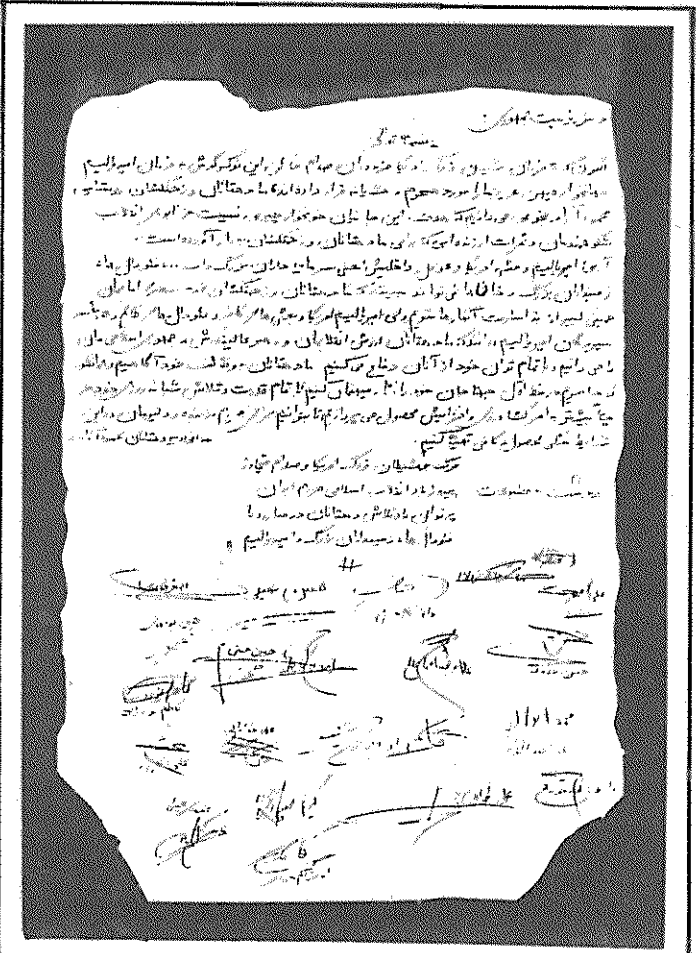
در حالیکه دولت تحت عناوین گوناگون از انجام وظایف خود در قبال آنها سرباز می‌زند، چگونه نیروهای جنبش ملی لبنان با از خود گذشتگی زیاد در راه بهبود زندگی و بهداشت اهالی کوشش می‌کنند. درست بهمین دلیل، یعنی افزایش پایه‌های توده‌ای جنبش ملی لبنان (که از اتحاد حزب کمونیست لبنان، حزب سوسیالیست پیشرو (به رهبری کمال جنبلاط) تشکیلات کار کمونیستی، حزب بعث، حزب ملی سوریه و گروه ناصریستا تشکیل شده است) اسرائیل فشارش را هر روزه بر مردم این نواحی و نیروهای مترقی و پیشروی آن افزایش می‌دهد. این افزایش تهاجم اسرائیل در منطقه، گرچه باعث پخش نیروهای "جنبش ملی لبنان" و وسعت‌کردن مناطق جنگی می‌شود، ولی در عین حال باعث افزایش و تحکیم رشته‌های دوستی و همبستگی "جنبش ملی لبنان" با اهالی مناطق جنگ زده می‌شود. احتمال پیروزی بر توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم مزدور آنرا بیش از پیش افزایش می‌دهد.

اسرائیل... یقه از صفحه ۶

تحکیم پایه‌های مردمی «جنبش ملی لبنان»

در این زمینه نیروهای دمکراتیک-لبنانی و فلسطینی به پیروزی‌هایی نیز نائل شده‌اند. اینک، از طریق نیروی بین‌المللی سازمان ملل متحد تا بحال مانع اشغال جنوب رودخانه لیتانی شده‌اند و با کنترل منطقه "تیر" تاسیساتی از قبیل بیمارستان جنگی و زیرزمینی ۲۰ تختخوابی، که توسط امداد توده‌ای - لبنانی برپا شده است، ایجاد کرده‌اند. مجموعه این کارهای توده‌ای پیوندهای این نیروها را با اهالی تحکیم کرده است. مردم بوضوح می‌بینند که

- برای
- مقاله‌ها
- تجاوز
- نظامی
- امریکا
- تمام خلق
- باید
- از نظر
- نظامی
- مبهر شوند



نامه «مردم»: نامه پر شور دهقانان عضو اتحادیه دهقانان محمودآباد باز دیگر آمادگی توده‌های دهقانی را برای دفاع از انقلاب شکوهمند ما نشان میدهد. دهقانان، همانگونه که با شرکت وسیع خود در تمام مراحل جنبش و انقلاب ما، در پیروزی‌های انقلاب سهمیه بوده‌اند، هم‌اکنون نیز با آمادگی کامل، بخاطر دفع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، چه در سنگر و چه در کشتزار، می‌کوشند. مسئولان متعهد و انقلابی باید با تکیه بر نیروی عظیم زحمتکشان و با حفظ منافع حقه آنان در پشت جبهه، هرچه زودتر و تواناتر دست مالکان بزرگ را از جامه انقلابی ما کوتاه کنند و شرایط را برای افزایش هرچه بیشتر محصول فراهم آورند.

اسرائیل با کمکهای همه جانبه آمریکا، جنوب لبنان را به آتش و ویرانی کشیده است

دوازده میلیون جمعیت است، اهالی این منطقه اغلب با کشتار و تخریب و نیز با ما هیجری امرار معاش می کنند. در این منطقه نه تنها صنعت وجود ندارد، بلکه کشت و کاری نیز در سطح بسیار ابتدایی انجام میگیرد. بیش از ۷۰ درصد از زمینهای منطقه آبپاری نمیشوند و فقط از ۱۰ درصد امکانات رودخانه‌ای استفاده می شود. با زدیدتوریستها از بناهای تاریخی این منطقه بخش کوچکی از دریا جدا شده و باقی می ماند. فرآورده های کشت و کاری برای اهالی منطقه کافی نیست و عده زیادی از جوانان آنجا برای یافتن کار به خارج از لبنان و بویژه به نوار غزه می روند. با در نظر گرفتن مجموعه این مطالب متوجه میشویم که جنوب لبنان منطقه‌ای است عقب افتاده با انبوهی از بیکاران، دولت لبنان نیز برای رفع این مشکلات مبتلا به مردم این منطقه هیچ اقدامی نمی کند، دولت حتی برای ساختن سد در روی رودخانه لیتانی که از ۲۶ سال قبل (۱) قولش را داده است، هیچ اقدامی نکرده است. گروههای دمکراتیک در لبنان با راه دولت لبنان را، بخاطر عدم توجه به وضع مردم فقیر زده جنوب لبنان استیضاح کرده اند، ولی هر بار دولت لبنان به دلیل اینکه ممکن است تا سیاست عمرانی که قرار است ساخته شود، به دست اسرائیل بیفتد، از هر نوع سرمایه گذاری در این منطقه خودداری کرده است.

جنوب لبنان در آتش جنگ می سوزد. هر روز بمب افکن های ارتش اشغالگر و متجاوز اسرائیل زمیندگان فلسطینی و مردم بی دفاع جنوب لبنان را بمباران می کنند و برای آنان مرگ و نیستی هدیه می آورند. امپریالیسم آمریکا، بزرگترین یا وروپشتیان رژیم جنایتکار اسرائیل با تجهیز هر چه بیشتر در روسته جنایتکار صهیونیستها به انواع سلاحهای مخرب و مرگ زا، نه تنها این جنایات و اطمینان آتش افروزیها را تایید می کند، بلکه تاکنون چهره خود را به مثابه طراح این جنایات نیز به دنیا نشان داده است. اکنون مردم جنوب لبنان، در کنار نیروهای دمکراتیک لبنانی و فلسطینی به مقابله با یورشهای ارتش اشغالگر اسرائیل و دست نشاندهگان آن - نیروهای فاشیست دست راستی لبنان به رهبری سرگردانی، سعد حداد - می روند و در نبردی نابرابر، برای حفظ استقلال خود سرکشت می جویند. برای آگاهی از شرایط اوضاع در این ناحیه جنگ زده لبنان، با استفاده از متن مصاحبه روزنامه نگار کمونیست فرانسوی روزه ماریا با علی السعید دبیر اول فدراسیون حزب کمونیست لبنان و عضو شورای سیاسی "جنبش ملی لبنان" شرح کوتاهی در این مورد به نظر خوانندگان گرامی "نامه مردم" می رسد.

خودداری دولت از سرمایه گذاری در جنوب لبنان

جنوب لبنان یکی از پهن منطقه ای است که کشور لبنان را تشکیل می دهد و

حضور نظامی اسرائیل در منطقه

اسرائیل، که در سال ۱۹۶۷ دارای مرزی برابر با ۹۰ کیلومتر با لبنان بود،

پس از جنگ ۱۹۶۷ آن را به ۱۳۰ کیلومتر رسانید. بعبارت دیگر، بخشی از مرز سوریه و لبنان در جنوب شرقی این کشور تحت کنترل اسرائیل درآمد. تجاوزات اسرائیل از سال ۱۹۴۸ شروع شد. در این سال اسرائیل بیست و پنج هزار هکتار از سرزمین لبنان، بویژه پنج آبادی را در جنوب به اشغال خود درآورد، یعنی اهالی این قسمت از لبنان نه تنها از آن سال بعد تحت فشارهای دائمی ارتش اسرائیل زندگی می کردند، بلکه بعلاوه سیاست ضد دمکراتیک دولت لبنان، که تشکیل هر نوع گروه و مقاومت را قذف کرد، بود، این نیروی گروهبان نتوانستند رشدیابند و در شرایط دموکراتیک در اواخر دهه ۱۹۵۰ امور منطقه سپیم باشند. اکثر گروههای مقاومت نیز که در این سالها فعالیت می کردند، همگی در شرایط مخفی به کار ادامه می دادند. فلسطینیهایی که در جنوب زندگی می کنند ۲۰۰۰ نفر اند، که در هفت اردوگاه پخش شده اند. دو اردوگاه در سعیدیه و یکی در نبتیه و ۴ اردوگاه دیگر در اطراف منطقه تیر هستند. از سال ۱۹۶۷، یعنی از سال جنگ اعراب و اسرائیل، حملات هوایی اسرائیل به بیانه وجود اردوگاه های فلسطینی افزایش یافتند و اسرائیل چند بار جنوب را اشغال کرد. اسرائیل بعدا مجبور به تخلیه منطقه شد.

پس از جنگ داخلی لبنان در سال ۱۹۷۵ و بویژه از سال ۱۹۷۶ به بعد و پس از ورود نیروهای سوریه و متفقین او، اسرائیل با دادن کمک های کم و بیش مخفیانه به راست گرایان افراطی مانند بی اغی معروف سرهنگ حداد که در اس کروه های مزدور در جنوب لبنان می عمل می کند، در امور داخلی لبنان دخالت کرد. ولسی چون حداد، با وجود کمک های اسرائیل نتوانست بیش از دو قریه را اشغال کند و با مقاومت سرسختانه نیروهای دموکراتیک روبرو شد. اسرائیل در امریشیبتیسی از راست گرایان یک گام جلونها دو تمام

کردن خلاف جهت آب را دارد. اما اگر به استراتژی خود ایمان داشته باشیم و اگر در تعیین این استراتژی از موضع منافع طبقاتی کارگر و توده ها حرکت نماییم (و نه از موضع وضع فعلی آگاهی و توجه آنها) آنگاه در خواهیم یافت که گاه باید بقول رفیق استالین، از یک دکامیابی تاکتیکی، در جهت بدست آوردن یک دکامیابی استراتژیکی، چشم پوشی نمود و این بخاطر آنست که این دکامیابی استراتژیکی، مدفون نگردد» (اعلامیه شماره ۹۷)

آری مائوئیست های «بیکار» بیچوجه حاضر نیستند از دکامیابی استراتژیکی، امپریالیسم آمریکا، که همانا در هم شکستن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، دست بردارند.

پرده آخر!

پرده آخر «شعبده کوریک» مائوئیست های «بیکار» برای جنگیدن در سنگر آمریکا، زیر پرده الفاظ انقلابی، وقتی به نمایش درمی آید که قسمتی از خاک ایران اشغال میشود. البته «بیکار» در ابتدا، از آنجا که از زیان رژیم عراق کاملاً آگاهی دارد و معتقد است که این رژیم رژیم «خواهان جنگ نیست» و لذا خاک ایران را اشغال نخواهد کرد (۱) می نویسد: «اینکه یک منطقه به اشغال واقعی درآید و توده ها در آن منطقه آمادگی آنرا داشته باشند که به جنگ مقاومت ملی علیه اشغالگر دست بزنند، حالتی است که در چشم انداز جنگ اخیر ایران و عراق نمی گنجد. با این وجود، چنانچه بوجود آید، در این صورت ما با یک جنگ جدید با خصمت جدید و اهداف جدید روبرو خواهیم بود که با سرشت ارتجاعی جنگ حاضر و اهداف ارتجاعی طرفین آن مغایرت ماهوی دارد.» (شماره ۷۵ - ص ۴)

«بیکار» در روز انتشار این مطالب (۱۴ مهر ۵۹) در حالیکه بخشهایی از خاک ایران در اشغال متجاوزین صدامی بوده، در جملات بالا خاک در چشم توده ها می پاشد، تا امپریالیسم آمریکا به هدف خود برسد.

«بیکار» در همان موضع ادامه میداد: «اگر یک اشغال به وضع کامل صورت گیرد (چیزی که به نظر ما امکان ندارد) یعنی رژیم عراق پس از آتش بس در طی مذاکرات یا در اثر ضعف رژیم جمهوری اسلامی، منطقه ای را اشغال کرده و خود در آنجا اعمال حاکمیت کند و توده ها در آنجا بجنگند، ما به سازماندهی این مبارزه و ارتقاء سطح آن خواهیم پرداخت، چرا که در آن حالت، جنگ ارتجاعی در تداوم خود، شرایط جدیدی را پدید آورده و جنگ جدیدی را برانگیخته است، جنگی علیه دولت اشغالگر.» (ضمیمه ۴ شماره ۷۵ - ص ۴)

خوب در فرمولهای بالا دقت کنید! این فرمول در هر وضعی، غیر از اشغال کامل و اعمال حاکمیت رژیم عراق در منطقه ای از ایران به «بیکار» ها اجازه «فرار توریکی» میدهد و در واقع نظریه «بیکار» را باین ترتیب کامل می کند که: ۱- توده ها بجای جنگ با ارتش عراق، با جمهوری اسلامی ایران بجنگند، ۲- این جنگ را تا اشغال کامل بخشی از ایران ادامه بدهند، ۳- وقتی که آن منطقه اشغال و حاکمیت رژیم عراق برقرار شد، آنوقت منتظر شوند، تا مائوئیست های «بیکار» بروند، سازماندهی کنند و مبارزه را ارتقاء دهند، تا خاک میهن آزاد شود! (البته در همین جا ناگهان معجزه میشود و ماهیت جمهوری اسلامی ایران، که به نظر «بیکار» ها وابسته است، یک شبه تغییر می کند)

اکنون خواننده می تواند چهره واقعی «بیکار» را در پس ماسک انقلابیگری ببیند. گروهک آمریکایی - مائوئیستی «بیکار» همان شعارها و سیاستهای آمریکا را دنبال می کند، مبتنی بر لیس ماورای چپ. این است یکی دیگر از دلایل تاریخی همکاری مائوئیستها با امپریالیسم آمریکا! «بیکار» این «سیاست» البته مختص به «بیکار» نیست. تریچه های پوک دیگری مانند «وحدت انقلابی برای آزادی طبقه کارگر»، «گروه کمونیستی تیر»، «گروه انقلابیون مارکسیست - لنینیست»، «سازمان وحدت کمونیستی» و... همراهان جدی امپریالیسم آمریکا هستند. این طیف ادامه می یابد و توسط گروهک های «زمندگان»، «راه کارگر»، «توفان» و... زیر «محمل کوریک» دفاع در صف مشتاق از توده ها، افشاگری علیه جمهوری اسلامی، و «جریک های اشرف دهقانی» زیر پرچم آشنای خالص از جناح «چپ» و «تیر» و «عدالت» تحت عنوان «دفاع از میهن» مبارزه با ارتجاع از جنگ راست، جنبه متحد مائوئیستها برای کمک به آمریکا را برای رسیدن به هدف سرنگونی جمهوری اسلامی ایران تشکیل میدهند.

حلقه بعدی، یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی ایران است.

«بیکار» می نویسد: «جنگ اخیر تضادهای طبقاتی در داخل میهن ما را تشدید کرده، تناقضات هیئت حاکمه را بیش از پیش حاد نموده و مبارزه طبقاتی را گسترش خواهد داد.» (شماره ۷۵ - ص ۴) بنا بر این: «کمونیست ها... به تائیدهای مناسب برای رشد و سازماندهی جنبش بپردازند و این جنگ را تبدیل به جنگ انقلابی علیه بورژوازی حاکم در درون کشور بنمایند.» (همانجا) از آنجا که باز هم، این «کوری» تنها در ایران قابل اجراست - البته در حد گروهک «بیکار» - گروهک ضد انقلابی «بیکار» از مردم میخواهد: «تا کسب آمادگی و تدارک سیاسی نظامی برای تبدیل جنگ ارتجاعی میان دو رژیم ایران و عراق به جنگ داخلی» (اعلامیه شماره ۹۸) را دستور روز قرار دهند، زیرا که: «کمونیستها (بخوان مائوئیستها) می توانند و وظیفه دارند که در شرایط «موقیعت انقلابی» دست به سلاح بزنند و علیه آن متجاوز یا آن کودتاکننده دست به قیام زنند. ولی این قیام مفهوم دیگری ندارد جز کوشش برای کسب قدرت سیاسی و نه شمشیر زدن در خدمت رژیم حاکم.» (شماره ۷۵ - ص ۴)

و اگر این وظیفه انجام نشود: «اگر شرایط برای آنکه شما اسلحه را بدست گرفته و با استفاده از آمادگی توده ها در مقابل هر دو رژیم بایستید، آماده است، در آن صورت حتی لفظهای درنگ در حکم خیانت و افتادن بسه منجانب سازش است.» (همانجا)

و سرانجام فرمان آخر اینست: «سرانجام باید جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی تبدیل نمود و برای آمادگی در مقابل وضعیتی که برترتیب، ما را در مقابل یک جنگ داخلی قرار می دهد، میبایست در جهت تدارک سیاسی - نظامی سازماندهی صف مستقل و گسترش جنبش انقلابی توده ها تلاش نمایند.» (اعلامیه شماره ۹۷)

و برای ابتکار توصیه میشود: «سربازانی که در جبهه های دوطرف کشته میشوند... تفنگ های خود را... بسوی سرمایه داران کشورهای خود بگیرند...» (شماره ۷۵) و: «شعار ما اینست که کارگران ایران و عراق متحد شوید و سرمایه داران خود را براندازید.» (همانجا)

توده ها مهم نیستند!

البته «بیکار» بدرستی می داند: «خودداری از شرکت در آن (جنگ) و چگونگی تبدیل آن به جنگ علیه ارتجاع امری ساده نیست» (شماره ۷۵) زیرا که: «این توده های زحمتکش هستند که در اثر تجاوز سربازان عراقی به جان و مال آنها مجبور به مقاومت خود بخود در مقابل این تجاوز هستند، ولی مهم این است که ما چه تلبیلی از ماهیت جنگ و سیاستی که در تداوم خود به جنگ انجامیده است، داریم.» (همانجا - ص ۴) (اینجا از دست «بیکار» در رفته و تجاوز رژیم صدام را لو داده است!)

ولی از آنجا که توده ها مهم نیستند و این «تحلیل» آقایان است که مهم است! و به همین خاطر است که دفاع زحمتکشان با جنگ و دلدان از خانه و گاشته شان در نزد «بیکار» ها «مستی توده ها» (همانجا) معنی میدهد، برای انجام وظیفه خود توصیه می کنند که: «البته در تبلیغ ضد جنگ نباید «ناشی» بود. توده ها در حال حاضر در اثر خوشبختی خود نسبت به رژیم ارتجاعی حاکم و متاثر از سمومات شومونیستی بورژوازی ایران، دچار شوونیسم و دفاع طلبی بوده و در برابر «بیلان» ضد جنگ سرسختی نشان خواهند داد، و چپسها که گاه میلیون ضد جنگ را «عامل عراق»، «فکر آمریکا» و غیره بنامند» (ضمیمه ۴، شماره ۷۵ - ص ۴)

«بیکار» های ضد انقلابی که میدانند باین سیاست خائنه در میان خلق منزوی خواهند شد، به هواداران خود توصیه میکنند که: «تادرتی استدلال کسانی را که بدون توجه به اصول انقلاب، اعلام می کنند که ما منزوی خواهیم شد» بر ملا سازند (شماره ۷۵ - ص ۴۴) «بیکار» های ضد انقلابی به همین خاطر است که در اعلامیه های مکرر می گویند، زیر پرده الفاظ انقلابی، هواداران صادق خود را همراه تر کنند: «انجام وظایف فوق، بطور تاکتیکی دشوار است و در ابتدا حکم شد»

مائوئیستها بجای...

بقیه از صفحه ۳

و اکنون در عمل...

بداژ «کوری» نوبت به عمل میرسد. اکنون که محمل «کوری» راه را برای «بیکار» هموار کرده است، باید دست بکار شد. چگونه؟ مائوئیست های «بیکار» رهنمود می دهند:

«اگر ما بگوئیم که این جنگ، جنگی است میان دو ارتجاع و فقط به دادن اعلامیه های پرلمطراق علیه آن اکتفا کنیم، واضح است که در عمل به پاسیویسم افتاده و بنوعی دیگر در خدمت بورژوازی خود قرار گرفته ایم.» (ضمیمه ۴ شماره ۷۵ - ص ۴) بنا بر این «چون خود توده ها در این جنگ شرکت میکنند برای آموزش به آنها در کنارشان خواهیم بود.» (همانجا ص ۴) تا چه زمانی «بیکار» ها در کنار توده ها خواهند بود:

«ما یقین داریم که تا آنجا که ممکن است در شهر بمانیم، البته نه تا آخرین نفر ونفس، بلکه تا آنجا که منافع و نیاز خلق و جنبش کمونیستی ایجاب می کند.» (خبرنامه جنگ بیکار - شماره ۴ - ص ۵) یعنی «بیکارگران» سربازگاه که «وظیفه شان را انجام دادند، فرار می کنند! از کنار چه کسانی؟ از کنار: همه کسانی که در آبادان هستند، منتظر حمله هستند و مرگ بسیار عادی شده است. روحیه خیلی از مردهایی که اینجا هستند کاملاً انقلابی هستند.» (همانجا) اما قبل از فرار وظیفه «بیکارگران» چیست؟ «بیکار» می نویسد:

«سیاست تحریم فعال و انشای اهداف هر دوطرف در گیر برای پرتواریا و زحمتکشان هر دو کشور» (شماره ۷۵ - ص ۴) افشا برای چه؟ برای: «رشد و سازماندهی جنبش» (همانجا) برای ابتکار لازم است: «بسا بردباری و با در نظر گرفتن مجموعه شرایط دست به تبلیغ زده به سازماندهی توده ها حول مقاومت در مقابل عواقب جنگ، از قبیل اعزام به سربازی، کرانی خوابار، قحطی مواد، بیماریان، گرسنگی و ارتقاء آن در سطح سیاسی بپردازند.» (ضمیمه ۴ - ص ۴)

۲- رفقا باید وسیعترین تبلیغات را علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق و ادامه جنگ از سوی هر دو رژیم و عوام فریبیها و بهره برداریهای که رژیم جمهوری اسلامی از این جنگ می نماید، براه اندازند...» (از اعلامیه شماره ۹۷)

۳- «کمک به توده های خلق که در اثر جنگ ارتجاعی کنونی دچار مصائب شدید شده اند، ضروری است... بدون شك این اقدام انقلابی حمایت و امداد، در خدمت توضیح و تبلیغ سیاسی مبنی بر انشای اهداف ارتجاعی جنگ کنونی چه از نظر هیئت حاکمه ایران و چه رژیم ضد خلقی عراق خواهد بود» (همانجا)

۴- «کارگران، زحمتکشان و توده های خلق رژیم جمهوری اسلامی، اکنون افرادی از شما را که تا سال ۵۶ خدمت سربازی را انجام داده اند، باز دیگر به بهانه «دفاع از میهن» در جنگ با عراق به خدمت و دفاع از منافع سرمایه داران فراخوانده است. علاوه بر آن رژیم از کارگران نیز دعوت کرده است که در جنگ شرکت کنند. کارگران و زحمتکشان ما می پرسند: چرا باید در این جنگ شرکت کنیم؟» (اعلامیه مورخ ۵۹/۷/۸)

۵- «در توفیضی و اقلای در میان توده ها راجع به عدم شرکت آنها در این جنگ تجاوزکارانه و ارتجاعی، (اعلامیه ۹۸) مائوئیست های «بیکار» با تخصص ویژه کارشناسان جنگ روانی، مطالب بالا، بویژه اعلامیه و تراکت های خود را، که بعد از آغاز جنگ تعداد آنها صدها برابر شده، چنان ارائه داده اند که ظهر آن خطاب به هر دو رژیم است. اما از آنجا که این اعلامیه ها در میان مردم ما پخش میشوند، در عمل نتیجه آن تبلیغات وسیع علیه جمهوری اسلامی ایران است، که توده ها برای دفاع از آن با دشمن متجاوز می جنگند. باین ترتیب حلقه اول «سیاست» «بیکار» چنانکه از رهنمودهای ین شده بروشنی پیداست، جلوگیری از شرکت توده ها در جنگ است، تا هر چه بیشتر به رژیم جنایتکار عراق و از این طریق به امپریالیسم آمریکا در رسیدن به اهدافش، یعنی تسخیر خوزستان و تشکیل «ایران آزاد» کمک شود. اما این حلقه، در واقع تدارک برای انجام

روحانیت مبارز...

بقیه از صفحه ۱

آنچه که ضدانقلاب با بیروانی در توطئه اخیر مطرح ساخت و خواستار «برکناری روحانیت از سیاست» گردید، باز هم امر تازه‌ای نیست. این شعار درست در زمانی که زلزله در پایه‌های رژیم استبدادی - طاغوتی شاه ملعون، افتاده بود و آنرا به سقوط تهدید میکرد، از طرف کُرگزاران این رژیم و نیز روحانی‌نمایانی که سالها «دور از سیاست» می‌زیستند و سر در توبره عطیای ملوکانه داشتند، مطرح گردیده بود، که با بی-اعتنائی خلق مواجه گردید و منادیان آنرا «از سیاست‌بدوره» انداخت.

درواقع «برکناری روحانیت بطور اعم از سیاست» به‌بچوجه مورد نظر امپریالیستها و عمال داخلی آنها نیست. جای آن روحانی‌نمایانی که «با روی دم افمی امپریالیسم» نمی‌گذارند و خلق را از «برداشتن لقمه‌های بزرگ» برحذر میدارند، همانهایی که امام خمینی «تفر» خود را از آنها اعلام می‌کنند، روی چشم امپریالیسم آمریکاست. خیر، امپریالیستها آن روحانی‌نمایانی را که خواستار «سلطنت و نه حکومت شاه» بودند و با تشکیل «شورای سلطنت» روی خوش نشان میدادند، همانهایی که آماده برسمیت‌شناختن کودتای ۱۸ تیر بودند، مدنظر ندارند و همانگونه که امام خمینی تأکید کرده‌اند، «با روحانی بد نیست که بداند». امپریالیسم آمریکا و پیروان خط پرژینسکی در داخل کشور، چه‌بسا از افتادن سکن حکومت پدست این گونه روحانی‌نمایان، با مسرت استقبال کنند. آنچه که دشمنان سوگندخورده انقلاب ایران با آن مخالفتند، «روحانیون خوب»، یعنی آن روحانیونی هستند که دل دربرشان برای مستضعفین، رنج‌دیدگان و محرومان می‌تپد، کوخ‌نشین را بر کاخ‌نشین عزت و شرف می‌نهند و میخواهند حکومت مستضعفین را برقرار کنند. آنچه که دشمنان انقلاب بدان کینه می‌ورزند، روحانیونی هستند که «تمام گرفتاریها را از آمریکا» می‌دانند و برای قطع دست متجاوز، توطئه‌گر و استقلال‌پرابوده این امریمن بزرگ، خلق را مسلح و بسیج می‌کنند و گوری فراخ برای امپریالیستها تدارک می‌بینند. امپریالیسم آمریکا و نمایندگان طبقات زالوصفت و غارتگر داخلی، از آن روحانیونی تفر دارند که بسود دهقانان زحمتکش و بی‌زمین، دست غصب مالک بزرگ و زمیندار کلان را قطع می‌کنند و «زرع را از آن‌زارع» می‌دانند و بلاخره آن روحانیونی را از سیاست بدور می‌خواهند که سرهای بزرگ جلادان را قطع کردند و اموال بزرگ غارتگران را بسود خلق مصادره نمودند.

آری دشمنان انقلاب تنها با آن روحانیونی مخالفتند که درجهت تعمیق انقلاب بسود زحمتکشان و به زیان غارتگران حرکت می‌کنند. علت این جنجال گسترده را باید در این نکات جستجو کرد. یکی از روشهایی که دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیسم و بیروان ایرانی سازش‌با امپریالیسم، یا عبارت دیگر لیبرالها، برای تضعیف روحانیت مبارز برهبری امام خمینی یدان توسل می‌جویند، حمله به این روحانیت از موضع «اسلامی» و تلاش برای «اثبات» این امر است که، روحانیت مبارز برهبری امام خمینی از خط «شرع و اسلام» خارج شده و به دامان «کمونیسم» درغلطیده است! امپریالیسم آمریکا بدین‌منظور تمامی نیروهای خود و بویژه «نیروهای روحانی» خود را بسیج کرده و آنها را برای ترویج و تبلیغ این فکر به‌عرصه کارزار گسیل کرده است. از فتوای مفتی‌های مرید امپریالیسم در مصر و مراکش مبنی بر «مسلمان» نبودن امام خمینی و «تکفیر» رهبرانقلاب ایران گرفته تا تلاش مائوئیستهای مسلمان‌نما و لیبرالهای سازشکار مکل و معمم داخلی برای «اثبات» این امر که، پیگیری در مبارزه با امپریالیسم و جهت‌گیری بسود مستضعفان، همانا «کمونیسم» و «القاء ایدئولوژی» توسط «توده‌ای‌ها» است، همه و همه تلاشی است تا روحانیت مبارز را از استواری در مبارزه با امپریالیسم و جهت‌گیری بسود زحمتکشان بازدارند و با بهره‌گیری از تبلیغات دهها ساله امپریالیسم و خاندان پهلوی علیه «کمونیسم» و کمونیستها، و سوء استفاده از سوء تفاهات و پیشداوریهای موجود در میان مسلمانان انقلابی نسبت به «کمونیسم» و کمونیستها، به مقصود اصلی خویش، که همانا منحرف کردن مبارزه استقلال طلبانه و خلقی روحانیت مبارز و مردم ایران است، دست یابند.

ولی این شگردی است که در دوران رژیم شاه ملعون هم پیکار برده شده و شکست‌خورده است.

انقلاب ایران با...

بقیه از صفحه ۱

و دیگر حقوق حقه آنها، از جمله حق تعیین سرنوشت خود و حق تشکیل یک حکومت مستقل، را هم محترم شمرند، هر روز دسیسه‌های ضد فلسطینی جدیدی را طرح می‌زنند: یک روز ساخت و پخت «کمپ دیوید» را علم می‌کنند، روز دیگر بیت المقدس را بعنوان «پایتخت ابدی» و تقسیم‌ناپذیر اسرائیل اعلام می‌دارند و اکنون نیز، در پس نقشه «خودمختاری»، می‌کوشند تا حق تعیین سرنوشت فلسطینی‌ها را بدست اسرائیلی‌ها و ایادی مرتجع عرب خود بسپارند.

با افراد و رسوایی‌های فزاینده سیاست اسرائیل و امپریالیسم آمریکا در قبال مسئله فلسطین، مرتجعین عرب: سادات‌ها، شاه حسین‌ها و ملک‌خالد‌ها، هر چه بیشتر به عامل «دو سره»‌ای در محاسبات امپریالیستی-صیونیستی در خاورمیانه تبدیل می‌گردند. علیرغم جنگ زرگری که امپریالیسم آمریکا صیونیستها و خیانتکاران سازش-کار عرب‌راه انداخته است، چنین می‌نماید که قصد آنست که «کمپ دیوید» در پسته‌بندی جدید ارائه گردد. این پسته-بندی، که سوداگران سیاسی «جامعه اقتصادی اروپا»، یعنی هم‌قطاران اروپای غربی امپریالیسم آمریکا، نیز در آن بی‌ابتکار نبوده‌اند در بهترین حالت تنها اردن باختری و نوارغزه را شامل خواهد شد. بموجب این نقشه، مناطق نامبرده به دو بخش تقسیم

کشورهای عضو...

بقیه از صفحه ۱

توسعه کارها، که الان ضعیف است. گسترش این ملاقاتها حتما باید باشد و از اشتباهات ما در گذشته این بود که اینکار را نکردیم. دولت‌های این کشورها همگی می‌گفتند که چیزی غیر از این انقلاب نمی‌توانست پایگاه امپریالیسم و اسرائیل را در منطقه بشکند و آمریکا را در منطقه متزلزل کند.

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، در مورد جنگ رژیم صدام علیه ایران، ضمن اشاره باین نکته که «این جنگ، جنگ بسا آمریکاست»، گفت: «کشورهای خلیج فارس و بخصوص یمن جنوبی که ما با هم همکاری‌هایی خواهیم داشت، می‌گفتند که آمریکا دارد بسا ایران می‌جنگد و ایران با آمریکا در حال جنگ است.»

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، در مورد نقطه نظرهای جنبش آزادی-بخش فلسطین در مورد جنگ رژیم صدام علیه ایران گفت: «من یک جلسه طولانی بسا سران نهضت آزادیبخش فلسطین در دفتر آقای یاسر عرفات داشتم و بطور کلی در مورد موضعگیری

خواهد گردید: یک بخش به اسرائیل الحاق می‌یابد و در بخش دیگر، که اردن آن را تصاحب خواهد کرد، یک باصطلاح فدراسیون اردن - فلسطین، به رهبری شاه حسین تاسیس خواهد گشت.

یکی از واقعیاتی، که امپریالیسم آمریکا و صیونیسم هنوز نمی‌خواهند بپذیرند، آنستکه «سازمان آزادیبخش فلسطین» تنها نماینده راستین خلق فلسطین است. قطعنامه ۲ مرداد ۱۳۵۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز بار دیگر «حق جنبش آزادی-بخش فلسطین» نماینده خلق فلسطین، را مبنی بر شرکت برابر حقوق در همه گوشه‌ها، مشورتها و کنفرانس‌های سازمان ملل متحد پیرامون مسئله فلسطین و اوضاع خاور نزدیک تأیید می‌کنند.

با اینهمه، ریگان، رئیس-جمهور منتخب ایالات متحده، با نسیبهای دشنام آمیز و زنگ-زده‌ای چون «تروریستی»، بزم خود می‌خواهد واقعیاتی چنین عیان و معتبر چون سازمان آزادیبخش فلسطین را نادیده بگیرد! متأسفانه در خود کشور ما نیز، برخی، که بعلت عمق جنبش همبستگی خلق ایران یا مردم فلسطین، نمی‌توانند نیات لیبرالیستی - سازشکارانه، مرموز و حتی ضد فلسطینی خود را آشکارا ابراز دارند، زیر پرچم «فلسطین» و «فلسطین دوستی»، به جو سازی پنهان و عیان علیه «سازمان آزادیبخش فلسطین» می‌پردازند. تازه‌ترین نمونه چنین جو سازی را همین چندی پیش در برخی روزنامه‌های لیبرالی

آنها در جنگ صحبت کردم. آنها نظر واقفشان حمایت از ایران بود. رهبران دست دوم فلسطینی هم، همه صریحاً نظر ایران را تأیید می‌کنند.»

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، گفت: «ما به آنها گفتیم که ما جنگ راه، در وضع مسووعه، خودمان اداره می‌کنیم، اما اگر جنگ به شکل دیگری ادامه پیدا کند، باید آمادگی داشته باشیم. این همکاری در مورد جنبه پایدار فکری می‌کنم زیاد خواهد بود.»

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، در پاسخ این پرسش که: «آیا اتحاد شوروی به عراق کمک می‌کند»، گفت: «همین جا که بودم، خبری داشتم، و آنجا که رفتم، این خبر تأیید شد. اینجا که بودیم بطور رسمی از طرف آقای بنی‌صدر به ما اطلاع داده بودند که شوروی به فرستاده عراق که رفته اسلحه می‌خواسته است، گفته است که ما این جنگ شما را جنگ نفع امپریالیسم می‌دانیم. جریانی که در ایران حاکم است، جریان ضد امپریالیستی است و ما نمی‌توانیم کمک کنیم

انجام گیرد، توطئه‌ای علیه انقلاب و دستاوردهای آن است، توطئه‌ای علیه منافع زحمتکشان بسود غارتگران است، توطئه‌ای علیه استقلال ایران بسود امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکاست. در یک کلمه، توطئه‌ای است برای تضعیف و بی-محتوی کردن خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی!

بر تمام نیروهای متعبد و انقلابی است که در مقابل این توطئه خطرناک و ضد انقلابی با تمام قوا از مواضع ضد امپریالیستی و خلقی روحانیت مبارز و انقلابی برهبری امام خمینی دفاع کنند.

باروت گر گرفته خوزستان

آزاد باش و مغرور ای سرزمین ویران! ای پاره پاره چگر ایران!

تیغ برهنه آزادی! صیقل گرفته از خون پستان شیرده! ای تفته! ای صبور! زخم شکفته! شعله شگرفی! ای سرزمین عشق! ای صورا! ای عبور! رنگین کمان خون به‌شانه زاگرس! ای سرزمین ویران! گوگرد گر گرفته خوزستان!

می‌بینمت چه مغرور با کرخه می‌روی پز جوش و پر خروش عاشق تر از همیشه دل می‌دهی به غرش شیران جان بر کفشان. چشم و چراغ ایران! ای شعر! ای شعور! ای عشق! ای حماسه خوزستان!

رنگ می‌کشایی از جان تا بارور شوی رزمنده و رونده در پستر همیشه کارون میلاد تازه‌ات را پیغامبر شوی می‌کوبدت به هلهله دشمن چونان که پتک به سندان

فرزندهای کوچک تو این بار بیدار و استوار امیدوار با کوکتل مولوتف با مشت، با سه‌راهی اراپه‌های نکبت سرمایه را از هم دریده‌اند اینگونه‌ات به شعله وحدت «ممندران» حتا ندیده‌اند

می‌جوشد از یقین تو آزادی در می‌شود به سینوات آواز بزرگ با خون کارگی می‌بینمت چه روشن پرشور و پرثمر ای سرزمین پر خون زیبا - اگرچه غمگین - آزاد

مثل کارون ای سرزمین ما آمیزگاه خون نظامی با جان پاسدار آوردگاه توده‌ای، ای عرصه فنا ای شعله شکفته خوزستان!

بشتاب بیش از این تا باورت کنند آن سوی تر ببین خون‌ناله‌های دشمن با رزمنانها که فرو می‌روند در باتلاق خون

آزاد باش و مغرور ای سرزمین ویران! ای انفجار! باروت گر گرفته خوزستان! ۲۸ مهر ۵۹ - جلال سرفراز

دیدیم، پدبختانه، دز سواری محدود عناصر و تشریفات صادق ضد امپریالیستی نیز از افتادن در دام این دسیسه شیطنت آمیز مصون نماندند. اما، چنانکه ملاقات اخیر حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران با یاسر عرفات در بیروت و برخی دیگر از گرایش‌های مثبت روزهای پیش نشان می‌دهد، همبستگی دو خلق و انقلاب ایران و فلسطین با یکدیگر و مناسبات دوستانه سنتی میان جمهوری اسلامی ایران و سازمان آزادی-بخش فلسطین ریشه‌دارتر و عمیقتر از آنست که گروهی لیبرال جو ساز و برخی برداشت‌های سطحی بتوانند در آنها خلل وارد آورد.

ما روز همبستگی بین‌المللی با خلق فلسطین را مقتم می‌شمیریم و بار دیگر همبستگی بی‌دریغ خود را از پیکار دلیرانه خلق فلسطین برهبری سازمان آزادی-بخش فلسطین ابراز می‌داریم. ما نیز، چون سازمان آزادیبخش فلسطین، معتقدیم که تا حل همه جانبه مسئله فلسطین با طریق وادار کردن اسرائیل به عقب نشینی از همه مناطق اشغالی فلسطین و عرب، از جمله بیت المقدس و شناسایی حقوق حقه خلق فلسطین، از جمله حق تعیین سرنوشت و تشکیل یک دولت مستقل ملی خویش - باید با همه توان و دوش بدوش خلق برادر فلسطین با دسیسه‌های امپریالیستی، صیونیستی و خیانتکارانه علیه خلق قهرمان فلسطین، به پیکار بی‌امان و قاطع ادامه داد.

به جنگی که علیه آن جریان کار می‌کنند. این مسئله در کشورهای لیبی و سوریه هم، به آنها هم اطلاع داده بودند. به ما گفتند که شوروی هم به آنها اطلاع داده. دیگر محرز شد که شوروی الان حاضر نیست یسه عراق کمک کند.»

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی افزود: «کشورهایی مثل سوریه، لبنان، فلسطین و لیبی، اینها با آمریکا درگیر بودند و موضعشان این بود که این جنگ تحمیلی آمریکاست و ما با آمریکا در جنگیم. مثلاً یمن جنوبی هم که با ما همکاری می‌کند، رویهم-رفته این نظر را داشت که اصلاً آمریکا دارد با ایران می‌جنگد. آنها بیش از آنچه ما اطلاع داشتیم، می‌گفتند. مثلاً می‌گفتند که یمن شمالی مقدار زیادی اسلحه شوروی در اختیار داشته که آنها را فروخته به عراق و یا می‌گفتند که فرانسه با اشاره آمریکا، مرتب دارد عراق را تجهیز می‌کند و یا می‌گفتند که عراق قبلاً یک میلیارد دلار داده به اردن برای توسعه بندر عقبه و معلوم بود که با نقشه آمریکا بندر عقبه مجهز شده برای پذیرفتن کشتیها در جنگ.»

انجام گیرد، توطئه‌ای علیه انقلاب و دستاوردهای آن است، توطئه‌ای علیه منافع زحمتکشان بسود غارتگران است، توطئه‌ای علیه استقلال ایران بسود امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکاست. در یک کلمه، توطئه‌ای است برای تضعیف و بی-محتوی کردن خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی!

بر تمام نیروهای متعبد و انقلابی است که در مقابل این توطئه خطرناک و ضد انقلابی با تمام قوا از مواضع ضد امپریالیستی و خلقی روحانیت مبارز و انقلابی برهبری امام خمینی دفاع کنند.

بمناسبت صدوشصتمین سالروز تولد فردریک انگلس - همفکر و هم‌رزم کارل مارکس



تعیین کننده زندگی اقتصادی است که نقش بس مؤثر و فعال افکار و اندیشه‌ها روشن میشود. انگلس همچنین علیه تصورات مکانیکی درباره مناسبات متقابل زیربنا و روبنا مبارزه میکند.

انگلس به‌راه مارکس به بررسی تاریخ، فرهنگ، اقتصادیات، ادیان و مبارزات خلقهای خاورزمین توجه زیادی معطوف میداشت. در دورانی که سرمایه‌داری در حال گسترش اروپای غربی (بویژه انگلستان، فرانسه و آلمان) به استعمار خلقهای خاور و غصب سرزمین آنها مشغول بود، انگلس به‌راه دوست و هم‌رزمش، مقالات و آثار متعدد و پرمضمونی درافشای مستدل مظالم استعمار سرمایه‌داری و اعتراض شدید علیه استعمار خلقها می‌نوشت.

از نامه‌های مارکس و انگلس دیده میشود که «اسلام» توجه هر دو متفکر بزرگ را سخت بخود جلب کرده بود. آنها همواره از «اسلام» به‌سورت «انقلاب اسلامی» و «انقلاب دینی محمد» سخن می‌گویند.

انگلس تا آخرین لحظات حیات خود در زندگی سیاسی اروپا شرکت فعال داشت و به‌راه مارکس، پیشوای نابغه جنبش کارگری، بنوشتن «چراغ راهنما» و رهبر سوسیالیستهای اروپا بود.

آن موضوع خاص هرداشی طبق شکل‌های عینی حرکت ماده‌مغین میشود. در این طبقه‌بندی‌دانشی بشری است که مقام فلسفه به‌منابه یک علم روشن میشود و درعین حال نادرستی بینشی که فلسفه را «علم‌العلوم» مینامد، یکی از شکل‌های شعور اجتماعی است، علم به عام‌ترین قانونمندیهای کلی است که هم هستی (طبیعت و جامعه) و هم تفکر انسانی در روند شناخت تابع آن قانونمندیهاست. انگلس قلب‌نمائی به دانش فلسفه داد که بدان وسیله بتواند در اقیانوس عقاید و آراء، جریانها، مکتب‌ها و سیستمهای پیشمار راه درست‌را بیابد و سردرگم‌نشود. وی مسئله اصلی فلسفه را، کسب مسئله مناسبات بین روح و ماده، شعور و طبیعت است روشن کرد و جنبه طبقاتی تفکر فلسفی را آشکار ساخت.

آنچه انگلس در تکمیل و توضیح شعوری شناخت (گنوستولوژی یا «علم‌المعرفه») و به‌ویژه در مبارزه علیه لادریسون (آگوستین‌ها که منکر شناختند) انجام داده است، اهمیت بنیادی دارد. در این ارتباط، طرح وحل یک ردیف از مسائل عمده منطق دیالکتیک توسط انگلس دارای اهمیت خاص است. در توضیح و گسترش مسائل عمده ماتریالیسم تاریخی، بویژه مبارزه انگلس علیه «اقتصادگرایی عامیانه» (اگوتومیس و لگر، که در مبین ما نیز آنرا بجای مارکسیسم جا میزنند و سپس در رد و انتقادی قلمفرسائی و سخنرانی میکنند) حائز اهمیت است.

انگلس نشان داد که نقش تعیین‌کننده شرایط مادی زندگی مردم، به‌ویژه نقش فعال‌معنویات را کاهش نمیدهد و همچنین نقش مؤثر شخصیت‌ها را در تاریخ رد نمیکند. بلکه برعکس، بر زمینه درک علمی و درست نقش

مردم پاکستان نیز برای کسب حقوق خود مبارزه قاطعی را آغاز کنند. واشنگتن نیز از آن بیم دارد که مردم خلیج فارس از انقلاب‌های رهایی‌بخش منطقه، و از جمله از انقلاب افغانستان برای آزاد شدن الهام گیرند.

اندیشمند برجسته هند افزود: «واشنگتن منطقه خلیج فارس را منطقه منافع حیاتی خود اعلام کرده است و به‌همین دلیل است که آمریکا و پرتری طلبان یکن به جنگ اعلام‌نشده علیه افغانستان دست زده‌اند و از خاک پاکستان به عنوان پایگاه استفاده می‌کنند. اما علیرغم این توطئه‌ها، انقلاب افغانستان روز به‌روز قدرت بیشتری بخود می‌گیرد و تلاشهای رژیم پاکستان در مورد سرهم‌بندی کردن جبهه ضدافغانی مسلمان‌ها با شکست فزاینده روبرو شده و پاکستان در میان خلقهای مسلمان عملاً منزوی شده است.»

دانشمند هندی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «تبعیضات پر سر و صدای ضدشوروی پیرامون رویدادهای افغانستان نیز جزئی از این توطئه است. در صورتیکه شوروی همیشه دوست خلقهای مسلمان بوده و به اعراب در مبارزه علیه تجاوز اسرائیل و آمریکا که‌کهاگ شایان کرده است. این آمریکا بود که پیمان سنتو را علیه اعراب بوجود آورد.»

کلیه بهادر یادآور شد: «دولتهای شوروی و افغانستان اعلام کرده‌اند که، به‌محض آنکه تجاوز خارجی علیه افغانستان قطع شود، نیروهای محدود شوروی از افغانستان خارج خواهند شد.»

قاضی پاکستانی به افغانستان گریخت: قاضی پاکستانی از جنایات رژیم دست‌نشانده ضیاءالحق پرده برداشت. «در بدو ورود به کابل شدیداً دچار شکستی شدم، زیرا رسانه‌های گروهی رژیم ضیاءالحق روز و شب درباره زدوخورد و کشتار در کابل داستانهائی می‌کنند.

برای نشر این دو جلد، انگلس شخصاً به پژوهشهای علمی فراوانی دست می‌زند. در همین دوران، که مارکس توجه اساسی خود را به تألیف کتاب «سرمایه» (کاپیتال) معطوف کرده بود، انگلس به بررسیهای فلسفی همت می‌گمارد و به گسترش و تکامل آموزش ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی می‌پردازد. کار عظیمی که او در تکمیل و تدوین فلسفه مارکسیسم کرده است، در آثاری نظیر «لودویگ فویرباخ و پایان فلسفه کلاسیک آلمان»، «آنتی-دورینگ»، «منشاء خانوادگی مالکیت خصوصی و دولت» و غیره منعکس است، که تاکنون نیز از آثار کلاسیک جهان‌بینی مارکسیسم‌اند. خدمتی که انگلس در کاربرد اندیشه‌های ماتریالیسم دیالکتیک در طبیعت‌شناسی انجام داده، اهمیت خاصی در گسترش متدولوژی (شیوه‌شناسی) این جهان‌بینی داشته و دارد. اندیشه‌هایی که او در آثری چون «لودویگ فویرباخ...»، «آنتی-دورینگ» و بویژه در «دیالکتیک طبیعت» بیان داشته است، چنان عمق و وسعت داشته، که اهمیت سالها بعد، به‌موازات تکامل دانشهای بشری آشکارتر شده است.

خیلی از اکتشافات علمی قرن ۲۰ در واقع توسط انگلس پیش‌بینی شده بود. از آنجمله‌اند نظریه مربوط به پیوند ناگسستی ماده و حرکت و بینش مربوط به وحدت زمان و مکان، درباره پایان‌ناپذیری شکل‌های ماده و ساختمان مرکب اتم، انتقاد از شعوری «فای گرم» جهان، درباره زندگی چون شکل حرکت ماده، که در مرحله معینی، از گسترش طبیعت غیرآلی بوجود آمده است و غیره.

اطلاعات وسیع و شناخت همه‌جانبه به انگلس امکان داد تا سیستم منظمی از طبقه‌بندی علوم بر مبنای واحدی تهیه کند، که در

برای تاسیس «اتحاد کمونیستها» پرداختند، که بعدها به حزب انقلابی طبقه کارگر تبدیل گردید. انگلس در سال ۱۸۴۷ طرح برنامه این «اتحاد» را به نام «اصول کمونیسم» مینویسد که بر مبنای آن، یکسال بعد، «مائیفست حزب کمونیست» - اثر مشترک مارکس و انگلس تدوین میشود و ایجاد آموزش کامل مارکسیستی - ایده‌نولوژی علمی طبقه کارگر، اعلام میگردد. فعالیت روزنامه‌نگاری انگلس نقش بزرگی در ترویج و تبلیغ جهان‌بینی و ایدئولوژی طبقه کارگر و همبستگی نیروهای دموکراتیک ایفا میکند. در حوادث انقلابی سالهای ۱۸۴۸-۱۸۴۹ انگلس شخصاً شرکت میکند و فعالانه در صفوف نیروهای انقلابی می‌رزد. پس از شکست انقلاب او به‌راه آخرین گردانهای رزمنده مبین خود را ترک میکند. در سالهای بعد که در مهاجرت زندگی میکرد، انگلس به تعمیم نظری تجربیات انقلاب آلمان می‌پردازد و آثار گرانبهائی چون «جنگ دهقانی در آلمان» و «انقلاب و ضدانقلاب در آلمان» برشته تحریر درمی‌آورد. در این آثار است که انگلس نقش بس مهم دهقانان بنماه متفق طبقه کارگر را روشن می‌کند و از زوری خیانت طبقه بورژوازی پرده برمی‌دارد.

پس از مسافرت به انگلستان، که مارکس هم بدانجا آمده بود، انگلس با شی‌کت فعال در جنبش کارگری، یکی از گوشه‌نگران موسس بین‌الملل اول می‌شود و مبارزه نظری و عملی علیه افکار آنارشیستی (هرج و مرج طلبانه) و اپورتونیستی (فرصت طلبانه) را پیش میبرد. از این زمان انگلس در عرض مدت چهل سال پیوسته به مارکس در تألیف اثر جاویدانش «سرمایه» کمک میکند و جلدهای دوم و سوم آنرا پس از وفات مولف، خود به‌چاپ میرساند.

درباره امتناع داوطلبانه سرمایه‌داران از حاکمیت) آشنائی پیدا میکند و به‌فارسائیهای ایدئولوژی و سیاست این جنبش پی‌میبرد. نتیجه بررسیهای او در «یادداشت-هائی در نقد اقتصاد سیاسی» (۱۸۴۴) و «وضع طبقه کارگر در انگلستان» (چاپ ۱۸۴۵) منعکس شده است.

مارکس، که خود با جنبش چارتریست‌ها در ارتباط بود، پس از اطلاع از اثر انگلس، آنرا یادداشتهای داهیان در انتقاد از مقولات علم اقتصاد سیاسی نامید. در این آثار، انگلس رسالت بزرگ و تاریخی طبقه کارگر را به نحوی علمی مستدل‌ساخت، آتیه روشن طبقات زحمتکش را متذکر شد و برای نخستین‌بار نشان داد که طبقه کارگر-پرولتاریا تنها یک طبقه متمسک نیست، بلکه طبقه‌ایست که در راه آزادی خود مبارزه میکند.

انگلس در انگلستان سوسیالیست میشود. بزودی او انگلستان را ترک میکند و به پاریس می‌رود (۱۸۴۴) و در اینجا با کارل مارکس ملاقات میکند. این دیدار، سرآغاز دوستی عمیق و صمیمی این دو متفکر بزرگ میشود که عمر خود را به مبارزه عملی و نظری در راه آزادی طبقه کارگر از ستم سرمایه‌داری مصروف‌داشتند. آنها با هم در سالهای ۱۸۴۶-۱۸۴۴ آثار مشهور خود «خانواده مقدس» و «ایدئولوژی آلمانی» را برشته تحریر درآوردند، که در واقع تجدید تفکری در نظرات فلسفی هگل و فویرباخ بود، که در آزمان رواج بسیار داشت. در این دو کتاب بزرگ است که مارکس و انگلس مبنای فلسفی جهان‌بینی علمی طبقه کارگر، یعنی ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی، را تنظیم کردند.

به‌موازات فعالیت گسترده نظری، مارکس و انگلس به کار عملی

بشریت مترقی ۲۸ نوامبر (۷ آذر) صدوشصتمین سالروز تولد فردریک انگلس، اندیشمند و انقلابی بزرگ، همفکر و هم‌رزم کارل مارکس را، که به‌هم آموزش سوسیالیسم علمی را به وجود آوردند، با قدردانی بسیاری یاد کرد.

فردریک انگلس در بارمن (آلمان) چشم دنیا گشود. وی از دوران جوانی تلاش فراوانی به شرکت در راه تغییر نظام اجتماعی موجود داشت. از پانزده سال ۱۸۴۱، که خدمت ارتش را در برلن و درعین‌حال زمان فراغت را به شنیدن سخنرانی‌ها در دانشگاه میگذراند، به‌جناح چپ «طرفداران جوان هگل» پیوست. همین زمان بود که او به انتقاد مستدل و درخشانی از افکار ارتجاعی شلینگ پرداخت. اثر او بنام «شلینگ و الهام» در سال ۱۸۴۲، مربوط به این دوره از زندگی‌اوست. انگلس درعین‌حال به انتقاد تضادهای دیالکتیک ایده‌آلیست هگل و نتایج محافظه‌کارانه‌ایکه او میگرفت پرداخت. اما تحول جدی در نظرات انگلس زمانی صورت گرفت که به اصرار پدر برای بررسی امور بازرگانی به انگلستان رفت. از این زمانست که او با زندگانی و وضع طبقه کارگر پیشرفته‌ترین کشور سرمایه‌داری آن‌وقت مستقیماً تماس پیدا میکند و وضع طاقت‌فرسای زندگی پرولتاریای انگلستان توجه عمیق او را جلب میکند.

انگلس در انگلستان و جنبش کارگری چارتریست و نظرات سوسیالیسم تخیلی آن (بویژه

انگلس در انگلستان و جنبش کارگری چارتریست و نظرات سوسیالیسم تخیلی آن (بویژه

انگلس در انگلستان و جنبش کارگری چارتریست و نظرات سوسیالیسم تخیلی آن (بویژه



از دیشمندی برجسته اسلامی هند: شوروی همیشه دوست خلقهای مسلمان بوده است

یونسکو کلیم بهادر، اندیشمند برجسته اسلامی هند و استاد دانشگاه جواهر لعل نهرو، که در سمپوزیوم مسائل صلح و امنیت در آسیا در تفلیس شرکت کرده بود، در یک مصاحبه مطبوعاتی از جمله گفت: «نقشه‌های ارتجاع جهانی و امپریالیسم برای خفه کردن انقلاب افغانستان با شکست روبرو شده و افغانستان بکامک دوستان واقعی خود، دست‌اندرکار ساختمان زندگی نوین است.» یونسکو کلیم بهادر، ضمن اشاره به توطئه و سر‌و‌صدای امپریالیسم آمریکا، رژیم دست‌نشانده پاکستان و برتری طلبان یکن، گفت: «برنامه‌های دولت انقلاب افغانستان از جمله برنامه‌های اقتصادی، آزادی زنان و دیگر دگرگونیهای اقتصادی-اجتماعی با مخالفت رژیم نظامی پاکستان روبرو شده است، زیرا این رژیم از آن بیم دارد که

یک قاضی برجسته پاکستانی و عضو سابق دیوان عالی کشور، که به افغانستان گریخته است، از جنایات رژیم دست‌نشانده ضیاءالحق پرده برداشته است. سردار شاه، قاضی برجسته پاکستانی، در یک کنفرانس مطبوعاتی در کابل گفت:

همکاری رژیم امریکائی پاکستان با پرتری طلبان یکن افزایش می‌یابد

معاون نیروی دریائی چین، در راس یک هیئت نظامی، برای گفتگو با رهبران رژیم دست‌نشانده پاکستان وارد این کشور شد. ورود این هیئت به پاکستان نشان‌دهنده گسترش همکاریهای رژیم امریکائی ضیاءالحق و رهبران یکن علیه افغانستان و تشدید جنگ اعلام‌نشده علیه این کشور است.

از سوی دیگر، دیدار این هیئت چینی از پاکستان نمی‌تواند با فعالیت‌های خرابکارانه رژیم سرسپرده ضیاءالحق و برتری طلبان چین علیه هندوستان بی‌ارتباط باشد.

در حالیکه تاکنون حتی صدای یک گلوله نیز در شهر نشنیده‌ام. قاضی برجسته پاکستانی گفت: «فعالیت‌های عادی در کابل نشان می‌دهد که اراجیف رسانه‌های گروهی پاکستان تا چه حد بی‌پایه است.»

نامه مَرُوم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM
No. 382
30 November 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرسی زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱
۱۴ پستی تهران